



## The Effect of CEO Power on Tax Avoidance With the Moderating Role of the Audit Committee Quality

Akram Taftiyan<sup>1</sup>, Mahmoud Moeinaddin<sup>2</sup>, mohammad zare<sup>3</sup>

Received: 2022/08/03

Approved: 2022/09/03

Research Paper

### Abstract

the main purpose of this study is to investigate the effect of CEO power on tax avoidance by considering the moderating role of audit committee quality in companies listed on the Tehran Stock Exchange. In this study, we calculate the CEO power index using CEO's membership in the board, long-term tenure, share ownership and composition of the board. Also, the audit committee quality was measured by indicators of size, financial expertise, independence and gender diversity. The statistical sample of the research includes 191 member companies of Tehran Stock Exchange during the years 2013 to 2020. The results suggest that the CEO power has a negative and significant effect on tax avoidance. In other words, tax avoidance is lower in firms with powerful CEOs than in other firms. the results of the study indicate that the quality of the audit committee does not have a significant effect on the relationship between CEO power and tax avoidance. For the first time, this study provides evidence related to CEO power and tax avoidance in corporate markets and contributes to expanding the literature in this field. In addition, the evidence of this study is suitable for observers and policy makers in Iran and gives them a positive sign regarding recommending or requiring an audit committee in the board of directors.

**Key Words:** CEO power, Audit committee quality, Tax avoidance.

 10.22034/JPAR.2022.559628.1105

1. Assistant Professor, Department of Accounting, Yazd Branch, Islamic Azad University, Yazd, Iran. (Corresponding Author) Taftiyan@iauyazd.ac.ir
2. Associate Professor. Department of Accounting, Yazd Branch, Islamic Azad University, Yazd, Iran. mahmoudmoein@iauyazd.ac.ir
3. MSc. of Accounting, Faculty of Accounting, Yazd Branch, Islamic Azad University, Yazd, Iran. Mohammadzare2002@yahoo.com  
<http://article.iacpa.ir>

## تأثیر قدرت مدیرعامل بر اجتناب مالیاتی با نقش تعدیل‌گر کیفیت کمیته حسابرسی

اکرم تفتیان<sup>۱</sup>، محمود معین‌الدین<sup>۲</sup>، محمد زارع<sup>۳</sup>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۵/۱۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۶/۱۲

مقاله‌ی پژوهشی

### چکیده

هدف اصلی پژوهش بررسی تأثیر قدرت مدیرعامل بر اجتناب مالیاتی با در نظر گرفتن نقش تعدیلی کیفیت کمیته حسابرسی در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران است. در این پژوهش قدرت مدیرعامل با چهار معیار: عضویت مدیرعامل در هیئت‌مدیره، دوره تصدی بلندمدت، مالکیت سهام و ترکیب هیئت‌مدیره و نیز کیفیت کمیته حسابرسی با شاخص‌های: اندازه، تخصص مالی، استقلال و تنوع جنسیتی اندازه‌گیری شد. نمونه آماری پژوهش شامل ۱۹۱ شرکت عضو بورس اوراق بهادار تهران در طی سال‌های ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۹ می‌باشد. از روش داده‌های ترکیبی با رویکرد حداقل مربعات تعمیم‌یافته جهت آزمون فرضیه‌های پژوهش استفاده گردید. نتایج برآورد مدل اول پژوهش نشان داد که قدرت مدیرعامل اثر منفی و معناداری بر اجتناب مالیاتی دارد. به سخن دیگر، اجتناب مالیاتی در شرکت‌های دارای مدیران عامل قدرتمند نسبت به سایر شرکت‌ها کم‌تر است. در عین حال، نتایج برآورد مدل دوم پژوهش حاکی از آن است که کیفیت کمیته حسابرسی اثر معناداری بر رابطه بین قدرت مدیرعامل و اجتناب مالیاتی ندارد. این مطالعه برای اولین بار شواهدی در رابطه با قدرت مدیرعامل و اجتناب مالیاتی در شرکت‌ها فراهم می‌کند و به بسط ادبیات در این زمینه کمک می‌نماید. علاوه بر این، شواهد این مطالعه برای ناظران و سیاست‌گذاران در ایران مناسب است و علامت مثبتی به آن‌ها در خصوص توصیه یا الزامی نمودن کمیته حسابرسی در هیئت‌مدیره می‌دهد.

واژه‌های کلیدی: قدرت مدیرعامل، کیفیت کمیته حسابرسی، اجتناب مالیاتی.

doi: 10.22034/JPAR.2022.559628.1105

taftiyan@iauyazd.ac.ir  
mahmoudmoein@iauyazd.ac.ir  
mohammadzare2002@yahoo.com  
http://article.iacpa.ir

۱. استادیار، گروه حسابداری، واحد یزد، دانشگاه آزاد اسلامی، یزد، ایران (نویسنده مسئول).  
۲. دانشیار، گروه حسابداری، واحد یزد، دانشگاه آزاد اسلامی، یزد، ایران.  
۳. دانشجوی کارشناسی ارشد، گروه حسابداری، واحد یزد، دانشگاه آزاد اسلامی، یزد، ایران.

## ۱- مقدمه

مالیات یکی از ابزارهای کسب درآمد برای دولت‌ها جهت رسیدن به اهداف اقتصادی و اجتماعی می‌باشد. مالیات با توجه به نقش خاص، تأثیرات و همچنین قوانین و مقررات و سازوکارهای حاکم بر آن، از دیرباز مورد توجه بوده است. موضوع مالیات بخش مهمی از حوزه ادبیات مالی و اقتصادی هر کشور محسوب می‌شود. اجتناب از پرداخت مالیات از مهم‌ترین تصمیمات مدیران است که به‌واسطه جلوگیری از انتقال منابع شرکت به دولت ممکن است آثار مساعد یا نامساعدی بر ارزش شرکت داشته باشد. شرکت‌ها معمولاً به‌وسیله انتقال سود از حوزه مالیات بالا به یک منطقه کم مالیات و قیمت‌گذاری کالاها و خدمات فروخته‌شده بین شرکت‌های وابسته از پرداخت مالیات اجتناب می‌کنند (خادم، ۱۳۹۷). در این راستا، یکی از مواردی که می‌تواند بر سطح اجتناب مالیاتی شرکت‌ها اثرگذار باشد، قدرت مدیران عامل است. به‌طور خاص، قدرت مدیرعامل تصمیمات استراتژیک و سیاست‌های شرکت را تحت تأثیر قرار می‌دهد و می‌تواند بر نتایج شرکت اثرگذار باشد (لین و همکاران، ۲۰۱۴). علاوه بر این، کمیته حسابرسی به‌عنوان یک ابزار مهم در اثربخشی حاکمیت شرکتی شناخته می‌شوند که امکان گزارش‌گری مالی متقلبانه را کاهش می‌دهد. همچنین کمیته حسابرسی باید برای عموم استفاده‌کنندگان اطلاعات دقیق، کامل و قابل اتکا فراهم آورد و نباید جایی برای پیش‌بینی‌ها یا انتظارات نابجا بگذارد (ابوت و همکاران، ۲۰۰۴).

مالیات شامل هزینه‌هایی است که از جانب دولت بر واحدهای انتفاعی که درآمدزایی دارند، تحمیل می‌شود تا بتواند ثمره فعالیت‌های اقتصادی را با عموم مردم به اشتراک بگذارد و خدمات عمومی بیش‌تری ارائه کند. از یک‌سو پرداخت مالیات با مزایای مربوطه همراه نیست؛ بنابراین، برنامه‌ریزی مالیاتی اقدامی برای افزایش ارزش شرکت تلقی می‌شود (ویلسون، ۲۰۰۹؛ گراهام، تاکر، ۲۰۰۶). اجتناب شدید مالیاتی توسط شرکت‌ها، معمولاً از طریق به تعویق انداختن مالیات‌های پرداختنی، ممکن است منجر به تأخیر در پرداخت مالیات یا جریمه از طرف مقامات مالیاتی شود. اجتناب از مالیات در مرز بین برنامه‌ریزی قانونی مالیات و فرار مالیاتی غیرقانونی قرار دارد که امروزه بحث روز بسیاری از تحقیقات است. اجتناب مالیاتی می‌تواند منجر به ابهام در فعالیت‌های شرکت شود و زمینه را برای افزایش تعارضات نمایندگی مهیا سازد (پورحیدری و همکاران، ۱۳۹۳). دیرنگ و همکاران (۲۰۱۰) استدلال می‌کنند که مدیران عامل نقش تعیین‌کننده‌ای را در تعیین میزان اجتناب از مالیات توسط یک شرکت دارند. اگرچه مدیران عامل اغلب کارشناس مالیاتی نیستند، اما در برنامه‌ریزی مالیاتی در بالاترین سطح مدیریت دست‌والعمل‌هایی را تعیین می‌کنند (حسینوف، کالم، ۲۰۱۲). شرکت‌ها معمولاً برای اجتناب از مالیات بر اهداف کلی تعیین‌شده توسط بخش‌های مالیاتی یا برنامه‌ریزی یا مشاوران مالیاتی خارجی تکیه می‌کنند. با این حال در مورد ترتیب معاملات خاص یا ایجاد عملیات در حوزه‌های مالیاتی با نرخ مالیات پایین به‌عنوان بخشی از استراتژی‌های مالیاتی، مدیران عامل به‌طور مستقیم مشارکت دارند (لی، کائو، ۲۰۲۱). مدیرعامل به‌عنوان قدرتمندترین مدیر ارشد شرکت و کسی که طراح اصلی استراتژی‌های شرکت است، شناخته می‌شود (پاپاداکیس، ۲۰۰۶). علاوه بر این پژوهش حاضر نقش تعدیلی کیفیت کمیته حسابرسی بر

رابطه بین قدرت مدیرعامل و اجتناب مالیاتی را مورد بررسی قرار می‌دهد، موضوعی که در تحقیقات قبلی به آن پرداخته نشده است. کمیته‌های حسابرسی به‌عنوان یک ابزار مهم در جهت نظارت بر رفتارهای مدیران شناخته می‌شوند که امکان تقلب را کاهش می‌دهند (کارسلو، نیل، ۲۰۰۰) و نقش مهمی در بهبود عملیات و افزایش کیفیت گزارش‌گری مالی دارند (اورادی و همکاران، ۱۳۹۵). کمیته حسابرسی نه تنها در فراهم آوردن نظارت بی‌طرفانه بلکه در کمک به تنظیم یک جو اخلاقی مناسب در شرکت کمک می‌کند (کریشن، ۲۰۰۵). از دیدگاه تئوری نمایندگی، کمیته‌های حسابرسی با کیفیت می‌توانند مشکلات نمایندگی را کاهش دهند و همچنین اشتباهات، بی‌نظمی‌ها و گزارش‌گری‌های متقلبانه در شرکت‌های دارای کمیته حسابرسی با کیفیت، کم‌تر است (اورادی و همکاران، ۱۳۹۵). بنابراین اجتناب مالیاتی یکی از موضوعات مهمی است که توجه پژوهشگران را جلب کرده است. زیرا اجتناب مالیاتی در محدودهای معین جهت استفاده از مزایای مالیاتی است و به‌طور عمده قوانین محدودکننده‌ای در زمینه اجتناب مالیاتی وجود ندارد. از این‌رو به نظر می‌رسد اکثریت شرکت‌ها درگیر اجتناب مالیاتی باشند و در نتیجه بررسی عوامل تأثیرگذار بر اجتناب مالیاتی دارای اهمیت بالایی است. به‌طور خاص، تاکنون پژوهشی در ارتباط با تأثیر قدرت مدیرعامل بر اجتناب مالیاتی با در نظر گرفتن نقش تعدیل‌گر کمیته حسابرسی در شرکت‌های عضو بورس اوراق بهادار تهران انجام نشده است. بنابراین پژوهش حاضر دارای نوآوری در سطح داخلی و حتی بین‌المللی است. تمرکز اکثریت تحقیقات در کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه از قبیل ایران بر ویژگی‌های حاکمیت شرکتی از قبیل هیئت‌مدیره بوده است و ویژگی‌های مدیریتی از جمله قدرت مدیریت ارشد کم‌تر مورد توجه قرار گرفته است بنابراین از آنجا که تاکنون پژوهشی در این زمینه در شرکت‌های عضو بورس اوراق بهادار تهران صورت نپذیرفته است، یافته‌های آن می‌تواند برای قانون‌گذاران، سرمایه‌گذاران و پژوهشگران حائز اهمیت باشد.

## ۲- مبانی نظری و توسعه‌ی فرضیه‌ها

### ۲-۱- اجتناب مالیاتی

پاستریک و همکاران (۲۰۰۸) اجتناب مالیاتی را استفاده قانونی از نظام مالیاتی تعریف می‌کنند اما اجتناب مالیاتی در حال تبدیل شدن به نگرانی اصلی کشورهای مختلف می‌باشد. درک عواقب ناشی از اجتناب مالیاتی مهم‌ترین مبحثی است که در پژوهش‌های مختلف به آن توجه می‌شود. زیرا یکی از ویژگی‌های اجتناب مالیاتی صرفه‌جویی از خروج وجه نقد می‌باشد که این ویژگی سبب می‌شود شرکت‌ها از فعالیت اجتناب مالیاتی بیش‌تر استفاده کنند تا احتیاج کم‌تری به تأمین مالی خارج از شرکت برای پروژه‌های خود داشته باشند. امروزه نقش نظام‌های مالیاتی در هر کشوری در تأمین درآمدها از محل منابع مالیاتی بر هیچ‌کس پوشیده نیست. در بعد اجتماعی، هدف اصلی وضع مالیات، کاهش فاصله طبقاتی و توزیع مجدد درآمدها است. هدف اقتصادی از وضع مالیات‌ها، تشییت نوسانات اقتصادی، تخصیص بهینه تأمین منابع بین بخش‌های مختلف و کمک به تسریع فرآیند توسعه‌بخشی یا منطقه‌ای، و هدف بودجه‌ای دولت‌ها از وضع مالیات‌ها نیز تأمین مالی بودجه دولت

می‌باشد. به دلیل نقش خاص مالیات و تأثیرات آن، موضوع مالیات، قوانین و سازوکارهای مربوط به آن، از دیرباز مورد توجه صاحب‌نظران اقتصاد، مالیه عمومی، سیاسیون، تشکل‌ها و حتی عموم مردم قرار داشته است. طبق قانون مالیات‌های مستقیم مصوب اسفندماه ۱۳۶۶ و اصلاحیه سال ۱۳۸۰، اخذ مالیات در ایران فرآیندی است که با ابراز مالیات توسط مؤدی از طریق اظهارنامه مالیاتی آغاز می‌شود و پس از طی مراحل تعیین‌شده، با وصول مالیات خاتمه می‌یابد (ساری، اعتمادی، ۱۳۹۸). تعاریف متفاوتی از اجتناب مالیاتی به‌وسیله پژوهشگران ارائه شده است (هانلون، هیتزمن، ۲۰۱۰). اجتناب مالیاتی را به‌عنوان کاهش مالیات آشکار هر لایه از سود قبل از مالیات تعریف کرده‌اند. دزایی و همکاران (۲۰۰۹) اجتناب مالیاتی را ابزارهای صرفه‌جویی مالیات که منابع را از دولت به سهامداران انتقال می‌دهد و ارزش بعد از مالیات شرکت را افزایش می‌دهد، تعریف می‌کنند. علاوه بر این پاسترانک و ریکو (۲۰۰۸) اجتناب مالیاتی را استفاده قانونی از نظام مالیاتی برای منافع شخصی به‌منظور کاهش مقدار مالیات قابل پرداخت به‌وسیله ابزارهایی که در خود قانون است، تعریف کرده‌اند. علاوه بر این برخی اجتناب مالیاتی را نوعی استفاده از خلأهای قانونی در قوانین مالیاتی در جهت کاهش مالیات می‌دانند (هانلون، هیتزمن، ۲۰۱۰). اجتناب مالیاتی یک فعالیت گریز از مالیات بدون شکستن خطوط قوانین و درون چارچوب قوانین مالیات است. این تعریف به‌صورت مفهومی از تعریف دایرنگ و همکاران (۲۰۱۰) پیروی می‌کند و همه معاملاتی که روی بدهی مالیاتی شرکت‌ها تأثیر می‌گذارد را منعکس می‌کند. به‌طور کلی دو دیدگاه پیرامون تحقیقات تجربی در مورد اجتناب مالیاتی وجود دارد: دیدگاه اول این است که مدیران با هدف کاهش تعهدات مالی شرکت و صرفه‌جویی وجه نقد، فعالیت‌های اجتناب از پرداخت مالیات را انجام می‌دهند. در نتیجه از منظر سرمایه‌گذاران، اجتناب مالیاتی باعث افزایش ارزش شرکت می‌شود و مدیران برای به‌کار بستن چنین فعالیت‌هایی باید تشویق شوند و پاداش بگیرند. بر اساس این دیدگاه، صرفه‌جویی ناشی از فعالیت‌های اجتناب از پرداخت مالیات می‌تواند منبع مالی ارزشمندی برای ضعف مالی شرکت باشد و تأمین مالی از طریق بدهی یا وجه نقد را کاهش دهد (پورحیدری و همکاران، ۱۳۹۳). دیدگاه دوم به مسئله نمایندگی ارتباط دارد که در این حالت، اجتناب مالیاتی به‌عنوان ابزار ایجاد سپر برای فرصت‌طلبی و انحراف منافع توسط مدیران است. بر اساس این دیدگاه، استراتژی‌های اجتناب از پرداخت مالیات مستلزم پنهان کردن حقایق است که این کار با هدف کاهش میزان مالیات از طریق پنهان کردن حقایق از ممیزان مالیاتی صورت می‌پذیرد. در نتیجه اثر معکوسی بر محیط اطلاعاتی شرکت دارد و به مدیران اجازه می‌دهد منافع را از شرکت خارج کنند (دزایی و همکاران، ۲۰۰۹).

## ۲-۲- قدرت مدیرعامل

دیدگاه‌های متنوعی درباره نقش مدیرعامل وجود دارد. به‌طور کلی مدیران بر دو نقش مدیرعامل تأکید دارند: نقش اول مربوط به استراتژی است. مدیرعامل باید نسبت به استراتژی شرکت آگاهی داشته و مدیران را در تدوین و اجرای استراتژی کمک کنند. نقش دوم مربوط به نظارت و کنترل است. مدیرعامل برای نظارت و جلوگیری از سوء مدیریت باید قوانین مناسبی تعیین

کند. مدیران عامل تصمیم‌گیرندگان اصلی در شرکت هستند، به‌ویژه در تدوین استراتژی‌های شرکت، از جمله سیاست‌های مالیاتی (هوانگ، ژانگ، ۲۰۱۹). بدون شک قدرت یکی از راه‌هایی است که با آن رهبر و مدیر می‌توانند در رفتار پیروان خود نفوذ کنند. در واقع قدرت، ویژگی اساسی نقش یک مدیر بوده و زمینه اثربخشی او را در سازمان فراهم می‌سازد. مدیران در سازمان‌ها، وضع‌کننده خط‌مشی بوده و صاحبان قدرت هستند و عملکرد سازمان‌ها با قدرت آنان در ارتباط است. مدیران با به‌کارگیری منابع قدرت می‌توانند زمینه رشد و تعالی یا زمینه انحراف و فساد سازمان را فراهم آورند و این امر به ماهیت وجودی و چگونگی استفاده از قدرت و منابع آن بستگی دارد (پورقاز، محمدی، ۱۳۹۰). دیلی و جانسون (۱۹۹۷) معتقدند که ساختار قدرت تا حد زیادی توسط ابزار قدرت مدیرعامل شرکت نسبت به هیئت‌مدیره مانند ترکیب هیئت‌مدیره، دوگانگی مدیرعامل و تصدی سازمانی تعیین می‌شود. علاوه بر این مدیرعاملی که سهامدار اصلی شرکت است به‌عنوان تابعی از توانایی در ظرفیت مالکیت خود، بر تصمیمات مهم شرکت، قوی‌تر از مدیرعاملی که علاقه‌ای به مالکیت ندارد، اثر می‌گذارد. به گفته نویسندگانی مانند لین و همکاران (۲۰۱۴) قدرت مدیرعامل می‌تواند ترکیب هیئت‌مدیره را تعیین کند و بر تصمیم‌گیری آن‌ها تأثیر بگذارد. به‌طور مشابه، بوید استدلال می‌کند که یک مدیرعامل قدرتمند ممکن است بر تصمیمات هیئت‌مدیره تأثیر بگذارد و در نهایت کارایی هیئت‌مدیره را کاهش دهد (بوید، ۱۹۹۴). شهاب و همکاران (۲۰۲۰) بیان می‌کنند که یک مدیرعامل قدرتمندتر ممکن است تصمیماتی بگیرد که منافع ذی‌نفعان را نادیده بگیرد. مدیران شرکت‌ها تلاش می‌کنند با کاهش نرخ مؤثر مالیات در بلندمدت، مدیریت مالیاتی انجام دهند. اگر مدیران با مجموعه اقدامات خود در بلندمدت، نرخ مؤثر مالیاتی را کاهش دهند، در واقع با دستیابی به هدف پرداخت کم‌تر مالیات، مدیریت مالیاتی انجام داده‌اند (پورحیدری و همکاران ۱۳۹۲). مدیریت مالیاتی مؤثر در فرآیند تصمیم‌گیری شرکتی که در راستای بیشینه‌سازی بازده پس از مالیات است، رویکرد چندجانبه دارد. اجتناب مالیاتی، فرار مالیاتی و راهکار جسورانه مالیاتی سازه‌های اصلی چارچوب مدیریت مالیاتی محسوب می‌شوند. تمام سازه‌های مفهومی اصلی شامل اجتناب مالیاتی، فرار مالیاتی و راهکار جسورانه مالیاتی در راستای کاهش مالیات پرداختی هستند که البته از لحاظ التزام ظاهری به قوانین و انطباق با روح قوانین متفاوت‌اند (اعتمادی و همکاران ۱۳۹۵). شرکت‌ها با توجه به وضعیت موجود ممکن است برای کاهش مالیات از اجتناب مالیاتی، فرار مالیاتی، راهکار جسورانه مالیاتی و غیره استفاده کنند.

با توجه به مباحث فوق، قدرت مدیران عامل می‌تواند بر اجتناب مالیاتی شرکت‌ها اثرگذار باشد. از یک‌سو تئوری نمایندگی توضیح می‌دهد که قدرت مدیران عامل اثربخشی مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی را کاهش می‌دهد و تضادهای نمایندگی و نفوذ بر مدیران با یک مدیرعامل قدرتمند افزایش می‌یابد (بوید، ۱۹۹۴) که در نتیجه ممکن است بر اجتناب مالیاتی تأثیر بگذارد (لی، کائو، ۲۰۲۱). علاوه بر این تئوری قدرت مدیریتی با تمرکز بر انگیزه‌های پاداش مدیران تشریح می‌کند که پاداش دریافتی توسط یک مدیرعامل قدرتمند ممکن است نسبت

به هیئت‌مدیره بیش‌تر باشد که نشان‌دهنده وجود تضاد منافع در شرکت‌های با مدیران عامل قدرتمند است (جنسن، مک لینگ، ۱۹۷۶). قدرت مدیرعامل ممکن است موجب سنگرگیری مدیریتی بیش‌تری شود (لین و همکاران، ۲۰۱۴) و در نتیجه مدیران عامل برای پنهان کردن رفتارهای فرصت‌طلبانه خود ممکن است بیش‌تر در فعالیت‌های اجتناب مالیاتی درگیر شوند (لی، کائو، ۲۰۲۱). در مجموع دیدگاه‌های نمایندگی و قدرت مدیریتی حاکی از آن است که قدرت مدیران عامل ممکن است موجب بروز رفتارهای فرصت‌طلبانه و افزایش هزینه‌های نمایندگی شود که این می‌تواند تأثیر مثبت بر اجتناب مالیاتی داشته باشد. از سوی دیگر اهمیت حفظ اعتبار برای مدیران عامل قدرتمند ممکن است منجر به ریسک‌پذیری کم‌تر و تمایل آن‌ها به سرمایه‌گذاری در پروژه‌های سودآور شود (لین و همکاران، ۲۰۱۴). باتواح و همکاران (۲۰۱۵) استدلال می‌کنند که مدیران عامل معروف کم‌تر احتمال دارد گزارش‌های مالی تقلبی را ارائه یا تأیید کنند. فرانکوئور و همکاران (۲۰۲۱) بیان می‌کنند که مدیران عامل قدرتمند دارای صداقت شخصی بالایی هستند که آن‌ها را تشویق می‌کند تا در تصمیم‌گیری خود به اصول اخلاقی پای‌بند باشند. در نتیجه تمایل کم‌تری به انجام رفتارهای فرصت‌طلبانه دارند. بنابراین می‌توان انتظار داشت که از آنجایی که مدیران عامل قدرتمند تحت فشار کم‌تری برای به دست آوردن نتایج فوری هستند، مدیریت مالیات کم‌تری را انجام دهند و محافظه‌کارتر باشند (لی، کائو، ۲۰۲۱).

### ۳-۲- کیفیت کمیته حسابرسی

کیفیت کمیته حسابرسی به روش‌های مختلف و در زمینه‌های مختلفی تعریف شده است. برای مثال کریشنان (۲۰۰۵) آن را به‌عنوان «صلاحیتی که با آن کمیته حسابرسی مسئولیت‌های نظارتی مشخص‌شده‌اش را انجام می‌دهد» تعریف کرد. از طرفی دیگر، ابوت و همکاران (۲۰۰۴) بیان کردند که «یک کمیته حسابرسی با کیفیت کمیته‌ای است که مسئولیت‌هایش را به‌طور کامل انجام می‌دهد». به‌علاوه، انجمن ملی مدیران شرکتی (۲۰۰۰) کمیته حسابرسی اثربخش را به‌عنوان کمیته‌ای که می‌تواند به توانایی هیئت‌مدیره و افزایش ارزش شرکت کمک کند، تعریف کردند. از چنین تعاریفی واضح است که یک کمیته حسابرسی با کیفیت آن است که می‌تواند نقش‌ها و وظایفش را به‌صورت اثربخش انجام دهد و نهایتاً به هر دوی هیئت‌مدیره و شرکتش ارزش اضافه کند.

نقش‌ها و مسئولیت‌های کمیته‌های حسابرسی در طی مهروموم‌ها همراه با اثر توصیه‌های گروه تردوی، کمیته کاربری و سایر نهادها با هدف افزایش اثربخشی کمیته حسابرسی توسعه‌یافته‌اند. رضائی و فارمر (۱۹۹۴) سه توسعه مهم در نقش‌های کمیته‌های حسابرسی در طول زمان را شناسایی کردند. آن‌ها بیان نمودند که تا پیش از نیمه دهه ۱۹۷۰ کارکرد اصلی کمیته حسابرسی ارتقای فرآیند گزارش‌گری مالی برون‌سازمانی از طریق بهبود اثربخشی و کارایی کارکرد حسابرسی بود. از نیمه دهه ۱۹۷۰ توانایی کمیته‌های حسابرسی برای ایفای یک نقش گسترده در حاکمیت شرکتی تشخیص داده شد. امروزه گرچه نقش‌هایی که به‌صورت معمول توسط کمیته‌های حسابرسی ایفا می‌شوند بر طبق دستورالعمل دریافتی از هیئت‌مدیره تغییر می‌کنند

اما چنین نقش‌هایی می‌توانند به سه گروه طبقه‌بندی شوند: ۱- فرآیند گزارش‌گری مالی؛ ۲- مسئولیت‌های حسابرسان داخلی و فعالیت‌های حسابرسان خارجی؛ و نهایتاً ۳- مسئولیت‌های حاکمیت شرکتی. اگرچه کمیته‌های حسابرسی ممکن است به دلیل افزایش در مسئولیت‌هایشان با حجم بسیار زیادی از وظایف مواجه شوند که می‌تواند بر اثربخشی آن‌ها اثر منفی داشته باشد (مارتینز، دی فینتز، ۲۰۰۷). در نتیجه شناسایی نقش‌های اساسی چنین کمیته‌هایی و ارزیابی اثربخشی کمیته حسابرسی در انجام چنین نقش‌هایی مهم می‌باشد. هدف از تشکیل کمیته حسابرسی، کمک به ایفای مسئولیت نظارتی هیئت‌مدیره و بهبود آن جهت کسب اطمینان معقول از اثربخشی فرآیندهای نظام راهبری، مدیریت ریسک و کنترل‌های داخلی، سلامت گزارش‌گری مالی، اثربخشی حسابرسی داخلی، استقلال حسابرس مستقل و اثربخشی حسابرسی مستقل و رعایت قوانین، مقررات و الزامات است (منشور کمیته حسابرسی، ۱۳۹۱). کمیته حسابرسی وظیفه بااهمیتی از طرف سهامداران جهت نظارت بر فرآیند حسابرسی گزارش‌گری مالی، حسابرسی داخلی و مستقل دارد. در زمان کنونی سهامداران و نهادهای قانون‌گذار در بازارهای مالی به‌طور فزاینده‌ای بر نقش کمیته حسابرسی در ایفای مسئولیت پاسخ‌گویی نسبت به وظایف خود به‌خصوص از منظر نظارت بر صورت‌های مالی حسابرسی تمرکز کرده‌اند (فی، ۲۰۱۳).

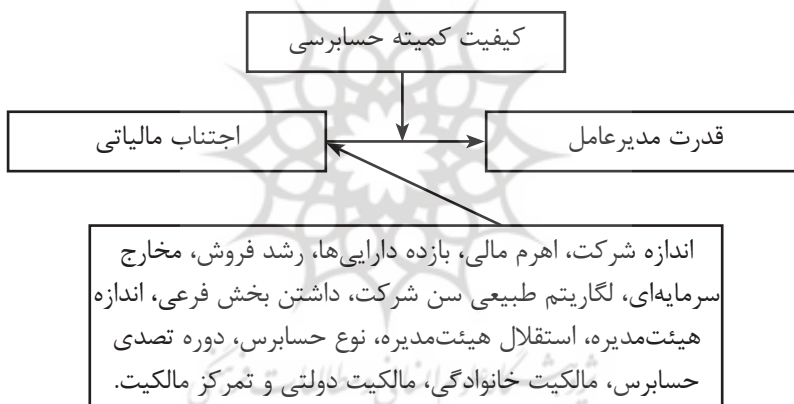
تاکنون چه در مطالعات داخلی و چه در مطالعات خارجی تحقیقی که به بررسی تأثیر قدرت مدیرعامل بر اجتناب مالیاتی با نقش تعدیل‌گر کیفیت کمیته حسابرسی شرکت پرداخته باشد صورت نگرفته است اما با این حال در ادامه به تحقیقات مرتبط پرداخته می‌شود. سجادی و همکاران (۱۴۰۱) به بررسی تأثیر تنوع جنسیتی در کمیته حسابرسی بر عملکرد شرکت پرداختند. نتایج آزمون فرضیه‌ها نشان داد حضور زنان در کمیته حسابرسی باعث کاهش بازده دارایی‌ها و افزایش مقدار متغیرهای نسبت سهم بازار و رقابت در بازار محصول شده است. بنابراین نتایج پژوهش حاکی از آن است که تأثیر حضور زنان در کمیته حسابرسی بر عملکرد مالی منفی و بر عملکرد غیرمالی مثبت است. فیض‌آبادی (۱۴۰۱) به بررسی نقش تعدیل‌کننده زنان کمیته حسابرسی در بررسی تأثیر تخصص اعضای کمیته بر مدیریت سود پرداخت. نتایج پژوهش حاکی از آن است که جنسیت اعضای کمیته حسابرسی بر مدیریت سود تأثیر معناداری ندارد. تخصص مالی کمیته حسابرسی و همچنین تعامل جنسیت اعضای کمیته حسابرسی و تخصص مالی کمیته حسابرسی بر مدیریت سود تأثیر معکوس و معناداری دارند. ستایش و ابراهیمی (۱۴۰۰) به بررسی رابطه جانشینی میزان استفاده از اهرم مالی در ساختار سرمایه و اجتناب مالیاتی در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. حاصل از آزمون فرضیه اول آن‌ها بیانگر رابطه منفی و معنادار میزان استفاده از اهرم مالی و اجتناب مالیاتی است که بیانگر اثر جانشینی اهرم مالی است. نتایج حاصل از آزمون فرضیه دوم آن‌ها نیز بیانگر این است که تأثیر متغیر تعدیل‌کننده هزینه اهرم مالی بر رابطه بین میزان استفاده از اهرم مالی و اجتناب مالیاتی معنادار می‌باشد. بختیاری صفا و همکاران (۱۴۰۰) به بررسی اثر پیچیدگی گزارش‌گری مالی بر تخصص حسابداری اعضای هیئت‌مدیره و اعضای کمیته حسابرسی و نقاط ضعف کنترل داخلی پرداختند. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که هرچه



پیچیدگی گزارش‌گری مالی بیش‌تر باشد نیاز به تخصص حسابداری هیئت‌مدیره و کمیته حسابرسی بیش‌تر می‌شود و هرچه ضعف کنترل داخلی هم بیش‌تر باشد، پیچیدگی مالی بیش‌تر است. مرانی و همکاران (۱۴۰۰) به بررسی تأثیر قدرت مدیرعامل بر حساسیت سرمایه‌گذاری به وجه نقد در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. نتایج آن‌ها نشان داد که قدرت مدیرعامل تأثیر منفی و معناداری بر حساسیت سرمایه‌گذاری به وجه نقد دارد. مؤمنی و محمدی (۱۴۰۰) به بررسی تأثیر قدرت مدیرعامل بر گزارش عملکرد مسئولیت اجتماعی شرکت پرداختند. یافته‌های آن‌ها نشان داد که بین قدرت مدیرعامل و افشای مسئولیت اجتماعی شرکت ارتباط منفی وجود دارد و این ارتباط از طریق ارتباط پاداش مدیرعامل با بازده کل سهامداران تعدیل می‌شود. خواجوی و همکاران (۱۴۰۰) به بررسی ارتباط بین قدرت مدیرعامل و تصمیم‌های ساختار سرمایه با تأکید بر نقش تعدیل‌گری اندازه شرکت‌ها پرداختند. آن‌ها دریافتند که بین قدرت مدیرعامل و اهرم مبتنی بر ارزش دفتری و اهرم کوتاه‌مدت، رابطه غیرخطی معناداری وجود ندارد. آلقتمین و همکاران (۲۰۲۲) تأثیر تخصص و جنسیت در کمیته حسابرسی را بر مدیریت سود بررسی کرده و نتایج نشان داده است که تخصص در کمیته حسابرسی منجر به کاهش مدیریت سود می‌شود. علاوه بر این یافته‌های آن‌ها نشان می‌دهد تخصص مالی زنان نسبت به مردان در کاهش مدیریت سود اثربخشی بیش‌تری دارد. از سوی دیگر بین قدرت مدیرعامل و اهرم مبتنی بر ارزش بازار، رابطه غیرخطی معنادار و بین قدرت مدیرعامل و اهرم بلندمدت، رابطه خطی مثبت و معنادار وجود دارد. گارسیا-مکا و همکاران (۲۰۲۱) به بررسی تأثیر خودشیفتگی مدیرعامل بر اجتناب مالیاتی با نقش تعدیل‌گر کمیته حسابرسی پرداختند. آن‌ها دریافتند که خودشیفتگی مدیرعامل ارتباط مثبتی با اجتناب مالیاتی دارد و این ارتباط توسط برخی از ویژگی‌های کمیته حسابرسی محدود می‌شود. به‌طور خاص شرکت‌هایی با کمیته‌های حسابرسی بزرگ‌تر به کنترل عواقب خودشیفتگی مدیرعامل بر اجتناب مالیاتی کمک می‌کنند. علاوه بر این کمیته‌های حسابرسی با تنوع جنسیتی نسبت به تهاجم مالیاتی شرکت حساس‌تر هستند و شیوه‌های مالیاتی تهاجمی ترویج‌شده توسط مدیران عامل خودشیفته را کاهش می‌دهند. لی و کائو (۲۰۲۱) به بررسی تأثیر قدرت مدیرعامل بر اجتناب مالیاتی پرداختند. یافته‌های آن‌ها حاکی از آن است که قدرت مدیرعامل با کاهش اجتناب مالیاتی در ارتباط است. هارپر و همکاران (۲۰۲۱) تأثیر قدرت مدیرعامل بر ریسک سقوط قیمت سهام را مورد بررسی قرار دادند. یافته‌های آن‌ها نشان داد که قدرت مدیرعامل تأثیر مثبت و معناداری بر ریسک سقوط قیمت سهام دارد. علاوه بر این دریافتند که رابطه منفی بین قدرت مدیرعامل و ریسک سقوط قیمت سهام در شرکت‌هایی که از کیفیت حاکمیت شرکتی بالاتری برخوردارند، ضعیف‌تر است. جاوید و همکاران (۲۰۲۱) به بررسی رابطه بین قدرت مدیرعامل و نوآوری شرکت پرداختند. یافته‌های آن‌ها نشان داد که بین قدرت مدیرعامل و نوآوری شرکت رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. به‌بیان دیگر نوآوری در شرکت‌هایی که از مدیران عامل قدرتمند بهره می‌برند، بیش‌تر است. سانتارو و همکاران (۲۰۲۱) به بررسی تأثیر حاکمیت شرکتی بر اجتناب مالیاتی پرداختند. نتایج آن‌ها نشان داد که مالکیت نهادی و کمیته حسابرسی بر اجتناب مالیاتی تأثیر مثبت دارد. این

مطالعه همچنین نشان داد که سودآوری نمی‌تواند تأثیر مالکیت نهادی، هیئت‌مدیره مستقل و کمیته حسابرسی را بر اجتناب مالیاتی تعدیل کند. دیسکوی و همکاران (۲۰۲۱) به بررسی تأثیر قدرت مدیرعامل بر لحن اعلامیه‌های سود پرداختند. آن‌ها برای اندازه‌گیری قدرت مدیرعامل از دو متغیر دوره تصدی مدیرعامل و دوگانگی وظیفه مدیرعامل استفاده کردند و به این نتیجه رسیدند که بین دوره تصدی مدیرعامل و دوگانگی وظیفه مدیرعامل با لحن اعلامیه‌های سود رابطه مثبت و معناداری برقرار است. باکر و همکاران (۲۰۲۰) به بررسی رابطه بین قدرت مدیرعامل و مدیر مالی با مدیریت سود پرداختند. آن‌ها دریافتند که مدیریت سود افزایش می‌یابد، زمانی که مدیرعامل و مدیر مالی از قدرت بالاتری برخوردار باشند. کوورمن و همکاران (۲۰۱۸) در پژوهشی به بررسی تأثیر اجتناب از پرداخت مالیات بر هزینه بدهی شرکت پرداخت. نتایج این پژوهش بیانگر تأثیر منفی اجتناب از پرداخت مالیات بر هزینه بدهی است و این تأثیر بستگی به سطح ریسک مالیات دارد. بنابراین مدل پژوهشی تحقیق به صورت شکل ۱ ارائه شده است:

شکل ۱. مدل مفهومی پژوهش



اندازه شرکت، اهرم مالی، بازده دارایی‌ها، رشد فروش، مخارج سرمایه‌ای، لگاریتم طبیعی سن شرکت، داشتن بخش فرعی، اندازه هیئت‌مدیره، استقلال هیئت‌مدیره، نوع حسابرس، دوره تصدی حسابرس، مالکیت خانوادگی، مالکیت دولتی و تمرکز مالکیت.

در این پژوهش متغیر وابسته اجتناب مالیاتی است. متغیر مستقل پژوهش قدرت مدیرعامل می‌باشد. متغیر تعدیل‌گر این پژوهش کیفیت کمیته حسابرسی است. متغیرهای کنترلی شامل شده در مدل‌های پژوهش عبارت‌اند از: اندازه شرکت، اهرم مالی، بازده دارایی‌ها، رشد فروش، مخارج سرمایه‌ای، لگاریتم طبیعی سن شرکت، داشتن بخش فرعی، اندازه هیئت‌مدیره، استقلال هیئت‌مدیره، نوع حسابرس، دوره تصدی حسابرس، مالکیت خانوادگی، مالکیت دولتی و تمرکز مالکیت. بنابراین فرضیه‌های پژوهش به صورت زیر قابل بیان است:

فرضیه اول: بین قدرت مدیرعامل و اجتناب مالیاتی رابطه معناداری وجود دارد.

فرضیه دوم: کیفیت کمیته حسابرسی تأثیر معناداری بر رابطه بین قدرت مدیرعامل و اجتناب

مالیاتی دارد.

## ۲-۴- تأثیر قدرت مدیرعامل بر کاهش مالیات پرداختی

نتایج پژوهش‌های پیشین نشان می‌دهد قدرت بیش‌تر مدیر اجرایی همواره بر مدیریت مالیاتی تأثیر مثبت خواهد گذاشت. بر اساس نظریه نمایندگی جنسرن و همکاران (۱۹۷۶) و بیچاک و همکاران (۲۰۱۱) قدرت بیش‌تر مدیران اجرایی به احتمال زیاد منجر به سودآوری بدتر و ارزیابی پایین شرکت از طریق اقداماتی نظیر کیوتوبین می‌شود. از آنجا که هر دلار مالیات پرداخت‌شده هزینه ازدست‌رفته‌ای است که نمی‌شود آن را در شرکت دوباره سرمایه‌گذاری کرد، پیش‌بینی می‌شود مدیران با قدرت بیش‌تر برای مدیریت اثربخش منابع، تصمیمات تجاری‌ای اتخاذ کنند که پرداخت مالیات بر درآمد را کاهش دهد. به دلایلی انتظار می‌رود قدرت مدیران برای مدیریت مؤثر منابع، ارتباط مثبتی با اجتناب از مالیات شرکت‌ها داشته باشد؛ اول؛ مدیران قدرتمندتر تسلط و اختیار بیش‌تری نسبت به محیط عملیاتی شرکت دارند. این تسلط امکان هماهنگی بهتر تصمیمات تجاری را با راهکارهای مالیاتی فراهم می‌کند (کوستر، ۲۰۱۶). دوم؛ مدیران قدرتمند «موقعیت در سطح بالا» ایجاد می‌کنند که به کمینه‌سازی هزینه‌ها تأکید دارد. درحالی‌که برای کاهش انواع هزینه‌ها انگیزه وجود دارد، پیش‌بینی می‌شود کاهش جریانات نقدی خروجی به مراجع مالیاتی برای مدیرانی جذاب باشد که به بهترین شکل منابع را مدیریت می‌کنند (دیرینگ، ۲۰۱۰). همچنین انگیزه کاهش هزینه‌ها از طریق تولید اطلاعات ضعیف‌تر، نبود شفافیت اطلاعاتی را افزایش می‌دهد و به دنبال آن انگیزه‌های آتی مدیران را برای برنامه‌ریزی مالیاتی تهاجمی افزایش می‌دهد (چن و همکاران، ۲۰۱۷).

## ۳- روش‌شناسی پژوهش

این تحقیق از نوع هدف کاربردی و از نظر ماهیت و محتوا از نوع همبستگی است که با استفاده از داده‌های ثانویه مستخرج از صورت‌های مالی شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران به تحلیل رابطه همبستگی می‌پردازد. علت استفاده از روش همبستگی کشف روابط همبستگی بین متغیرهاست. تحقیق همبستگی یکی از انواع تحقیقات توصیفی است. در تحقیق حاضر ابتدا همبستگی بین متغیرهای پژوهش را مورد آزمون قرار داده و در صورت وجود همبستگی بین متغیرهای تحقیق اقدام به برآورد مدل رگرسیونی خواهد شد. از سوی دیگر این تحقیق از نوع پس‌رویدادی است، یعنی بر مبنای تجزیه و تحلیل اطلاعات گذشته و تاریخی صورت‌های مالی شرکت‌ها انجام می‌پذیرد.

### ۳-۱- جامعه آماری و روش نمونه‌گیری و حجم نمونه

جامعه آماری این پژوهش کلیه شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۹ می‌باشند. در این پژوهش با استفاده از روش حذف سیستماتیک نسبت به تعیین حجم نمونه بر اساس معیارهای زیر اقدام خواهد شد:

- ۱- اطلاعات مالی شرکت قابل‌دسترسی باشد.
- ۲- شرکت در طی دوره تحقیق تداوم فعالیت داشته باشد.

۳- جزء شرکت‌های مالی (مانند بانک‌ها، مؤسسات مالی) و شرکت‌های سرمایه‌گذاری یا شرکت‌های واسطه‌گری مالی نباشد.

با توجه به معیارهای فوق، اطلاعات ۱۹۱ شرکت مورد بررسی قرار گرفت.

### ۳-۲- روش گردآوری داده‌ها

در این پژوهش اطلاعات مربوط به ادبیات موضوعی تحقیق، شامل اطلاعات مربوط به مبانی نظری و پیشینه و سوابق تحقیق، با استفاده از مطالعات کتابخانه‌ای، شامل کتب، مجلات و فصلنامه‌های انتشارات مراکز تحقیقاتی و پژوهشی، پایان‌نامه‌های تحصیلی و رساله‌های تحقیقی مرتبط، جستجو در پایگاه‌های اطلاعاتی اینترنتی و مراجعه به مراکز علمی و دانشگاهی به دست آمد. داده‌های مورد نیاز پژوهش نیز از منابع کتابخانه‌ای، صورت‌های مالی شرکت‌های نمونه، اطلاعاتی‌های منتشرشده توسط سازمان بورس اوراق بهادار و بانک جامع اطلاعاتی شرکت‌ها در سایت رسمی سازمان بورس گردآوری شد.

### ۳-۳- روش و ابزار تجزیه و تحلیل داده‌ها

داده‌های گردآوری‌شده با استفاده از نرم‌افزار اکسل مرتب و پس از اصلاحات و طبقه‌بندی لازم بر اساس متغیرهای مورد بررسی برای پردازش وارد نرم‌افزار آماری Stata (نسخه ۱۴) شد. قبل از آزمون فرضیه‌های پژوهش و برآورد نهایی مدل‌ها به بررسی آماره‌های توصیفی متغیرهای پژوهش پرداخته شد. به دلیل این‌که داده‌های پژوهش از نوع ترکیبی (ترکیب از زمان و شرکت) هستند، ابتدا آزمون‌های انتخاب الگو (آزمون چاو و هاسمن) بر روی آن‌ها صورت پذیرفت تا روش برآورد مدل‌ها مشخص گردد. در مرحله بعد، آزمون‌های هم‌خطی، ناهمسانی واریانس و خودهمبستگی سریالی انجام شده و در صورت وجود، به رفع آن‌ها با روش‌های مناسب پرداخته خواهد شد.

### ۴- یافته‌های پژوهش

#### ۴-۱- نتایج آمار توصیفی

نتایج آمار توصیفی حاصل از این پژوهش شامل میانگین، میانه، انحراف معیار، بیشینه و کمینه، طی جدول ۱ ارائه شده است. یافته‌های توصیفی نشان می‌دهد که نرخ مؤثر مالیاتی نقدی و دفتری به ترتیب ۰/۲۱۸ و ۰/۱۰۵ است. میانگین امتیاز قدرت مدیرعامل ۱/۴۸۹ است و بیش‌ترین و کم‌ترین مشاهده آن ۴ و ۰ است. علاوه بر این میانگین امتیاز کیفیت کمیته حسابرسی ۱/۹۹۴ است و بیش‌ترین و کم‌ترین مشاهده آن ۴ و ۰ می‌باشد. میانگین اندازه شرکت، اهرم مالی و بازده دارایی‌ها به ترتیب ۱۴/۷۲۵، ۰/۵۶۱ و ۰/۱۳۶ می‌باشد. رشد فروش در شرکت‌های نمونه تقریباً ۳۴٪ است. مخارج سرمایه‌ای و لگاریتم طبیعی سن شرکت به ترتیب از میانگین ۰/۲۵۹ و ۳/۶۲۷ برخوردارند. همان‌طور که در نتایج جدول ۱ قابل مشاهده است، تقریباً ۴۴٪ از شرکت‌های نمونه دارای بخش فرعی می‌باشند. میانگین اندازه هیئت‌مدیره ۵/۰۳۵ است و بیش‌ترین و کم‌ترین آن ۷ و ۵ عضو

می‌باشد. همچنین، تقریباً ۶۷٪ از اعضای هیئت‌مدیره غیرموظف یا مستقل هستند. حسابرسی ۲۴٪ از شرکت‌های نمونه را مؤسسات دولتی (سازمان حسابرسی و مؤسسه مفید راهبر) بر عهده داشتند. به‌علاوه میانگین دوره تصدی حسابرسان ۳/۹۶۸ سال است و بیش‌ترین و کم‌ترین آن به ترتیب ۱۸ و ۱ سال می‌باشد. دوره تصدی ۱۸ سال مربوط به سازمان حسابرسی است که چرخش اجباری مؤسسات حسابرسی را تجربه نمی‌کند بلکه شرکای امضاکننده گزارشات سازمان حسابرسی در شرکت تغییر می‌کنند. به‌علاوه میانگین مالکیت خانوادگی ۰/۹۴ است که نشان می‌دهد که تنها ۹٪ از شرکت‌ها دارای مالکیت خانوادگی هستند. میانگین مالکیت دولتی در شرکت‌های نمونه ۰/۴۸۱ است و تقریباً مالکیت ۷۲٪ از سهام شرکت‌ها در دست سهامداران بزرگ (عمده) است.

جدول (۱) آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیر	نماد متغیر	میانگین	میان	انحراف معیار	بیشینه	کمینه
نرخ مؤثر مالیاتی نقدی	CTA1	۰/۲۱۸	۰/۱۱۰	۰/۵۳۱	۴/۴۳۰	-۰/۵۷۰
نرخ مؤثر مالیاتی دفتری	CTA2	۰/۱۰۵	۰/۱۰۰	۰/۰۹۴	۰/۴۶۰	-۰/۰۱۰
امتیاز قدرت مدیرعامل	CEO POWER	۱/۴۸۹	۱/۰۰۰	۰/۹۰۰	۴/۰۰۰	۰/۰۰۰
امتیاز کیفیت کمیته حسابرسی	AC_QUALITY	۱/۹۹۴	۲/۰۰۰	۰/۶۲۶	۴/۰۰۰	۰/۰۰۰
اندازه شرکت	FIRMSIZE	۱۴/۷۲۵	۱۴/۵۱۰	۱/۵۸۴	۱۹/۴۸۰	۱۱/۴۷۰
اهرم مالی	LEV	۰/۵۶۱	۰/۵۶۰	۰/۲۰۵	۱/۱۲۰	۰/۱۱۰
بازده دارایی‌ها	ROA	۰/۱۳۶	۰/۱۱۰	۰/۱۴۸	۰/۵۶۰	-۰/۲۳۰
رشد فروش	SALEG	۰/۳۳۶	۰/۲۳۰	۰/۵۵۴	۳/۴۱۰	-۰/۵۸۰
مخارج سرمایه‌ای	PPE	۰/۲۵۹	۰/۲۲۰	۰/۱۷۹	۰/۷۶۰	۰/۰۱۰
لگاریتم طبیعی سن شرکت	LNAGE	۳/۶۲۷	۳/۷۱۰	۰/۳۷۲	۴/۱۹۰	۲/۶۴۰
داشتن بخش فرعی	SUBS	۰/۴۳۵	۰/۰۰۰	۰/۴۹۶	۱/۰۰۰	۰/۰۰۰
اندازه هیئت‌مدیره	BSIZE	۵/۰۳۵	۵/۰۰۰	۰/۲۶۴	۷/۰۰۰	۵/۰۰۰
استقلال هیئت‌مدیره	BIND	۰/۶۶۵	۰/۶۰۰	۰/۱۸۰	۱/۰۰۰	۰/۲۰۰
نوع حسابرسان	ATIPE	۰/۲۴۹	۰/۰۰۰	۰/۴۳۲	۱/۰۰۰	۰/۰۰۰
دوره تصدی حسابرسان	ATENURE	۳/۹۶۸	۳/۰۰۰	۴/۱۲۳	۱۸/۰۰۰	۱/۰۰۰
مالکیت خانوادگی	FAM	۰/۰۹۴	۰/۰۰۰	۰/۲۹۱	۱/۰۰۰	۰/۰۰۰
مالکیت دولتی	STATE	۰/۴۸۱	۰/۵۶۰	۰/۳۳۵	۰/۹۶۰	۰/۰۰۰
تمرکز مالکیت	CONOWN	۰/۷۲۱	۰/۷۷۰	۰/۱۹۴	۰/۹۸۰	۰/۱۱۰

#### ۲-۴- برآورد مدل اول پژوهش (متغیر وابسته: نرخ مؤثر مالیاتی نقدی)

در این بخش نتایج برآورد مدل اول پژوهش با استفاده از نرخ مؤثر مالیاتی نقدی به‌عنوان

متغیر وابسته ارائه می‌شود. از آنجا که داده‌های پژوهش از نوع ترکیبی (ترکیب سال و مقطع) است، بایستی با استفاده از آزمون‌های انتخاب الگوی برآورد، روش مناسب برای برآورد مدل‌های پژوهش انتخاب گردد. در این راستا ابتدا آزمون چاو برای انتخاب روش پولد در مقابل پانل انجام می‌گردد. نتایج آزمون چاو در جدول ۲ نشان می‌دهد که فرضیه صفر این آزمون رد شده و روش پانلی مناسب‌تر است. به علاوه نتایج آزمون هاسمن بیانگر آن است که فرضیه صفر ( $H_0$ ) این آزمون رد شده و روش پانلی با اثرات ثابت در برآورد مدل مناسب‌تر است. در پژوهش حاضر برای بررسی ناهمسانی و خودهمبستگی سریالی به ترتیب از آزمون والد تعدیل‌شده و وولدریچ استفاده می‌شود. نتایج آزمون والد تعدیل‌شده در جدول ۲ نشان می‌دهد که فرضیه صفر ( $H_0$ ) این آزمون رد شده و مدل از ناهمسانی واریانس در بین جملات خطا رنج می‌برد. همچنین نتایج آزمون وولدریچ نشان می‌دهد که فرضیه صفر ( $H_0$ ) این آزمون رد شده و خودهمبستگی سریالی در بین جملات خطای مدل وجود دارد. در نتیجه برای رفع مشکل ناهمسانی واریانس و خودهمبستگی سریالی، از رویکرد حداقل مربعات تعمیم‌یافته (GLS) در برآورد نهایی مدل استفاده می‌گردد.

جدول (۲) نتایج آزمون چاو، هاسمن، والد تعدیل‌شده و وولدریچ

متغیر	تعداد مشاهده	فراوانی	درصد
شاخص‌های قدرت مدیرعامل			
عضویت مدیرعامل در هیئت‌مدیره	۱۵۲۸	۸۷۰	۵۶/۹۴
دوره تصدی طولانی‌مدت (بیش از ۳ سال)	۱۵۲۸	۵۷۳	۳۷/۵۰
مالکیت مدیرعامل (بیش از ۵ درصد)	۱۵۲۸	۵۸۷	۳۸/۴۲
ترکیب هیئت‌مدیره (اعضای مستقل پایین‌تر از میانه ۱، بالاتر از میانه ۰)	۱۵۲۸	۱۶۰	۱۰/۴۷
شاخص‌های کیفیت کمیته حسابرسی			
اندازه کمیته حسابرسی (بالاتر از میانه ۱، پایین‌تر از میانه ۰)	۱۳۸۶	۱۲۴	۸/۹۵
تخصص مالی کمیته حسابرسی (حداکثر اعضا)	۱۳۸۶	۱۱۴۷	۸۲/۷۶
استقلال کمیته حسابرسی (حداکثر اعضا)	۱۳۸۶	۱۳۱۸	۹۵/۰۹
تنوع جنسیتی کمیته حسابرسی (حضور حداقل یک خانم)	۱۳۸۶	۱۷۵	۱۲/۶۳

فرضیه $H_0$	آماره F	P_Value	نتیجه آزمون
استفاده از روش داده‌های پولد (تلفیقی)	۱/۲۴	۰/۰۲۳۰	رد: $H_0$ روش پانلی مناسب‌تر است
استفاده از روش اثرات تصادفی	۳۴/۳۶	۰/۰۰۰۰	رد: $H_0$ روش پانلی با اثرات ثابت
عدم ناهمسانی واریانس	۳/۴۰۶	۰/۰۰۰۰	رد: $H_0$ ناهمسانی واریانس وجود دارد
عدم خودهمبستگی	۴/۲۸۱	۰/۰۳۳۹	رد: $H_0$ وجود خودهمبستگی سریالی

جدول (۳) نتایج برآورد مدل اول پژوهش (متغیر وابسته: نرخ مؤثر مالیاتی نقدی)

VIF	مقدار احتمال	آماره	انحراف استاندارد	ضریب	متغیر
-	۰/۰۰۰	۳/۵۵	۰/۱۲۲۷	۰/۴۳۶۰	مقدار ثابت
۱/۲۵	۰/۰۶۴	۱/۸۵	۰/۰۰۴۶	۰/۰۰۸۶	قدرت مدیرعامل
۱/۴۲	۰/۰۰۰	-۵/۵۵	۰/۰۰۲۹	-۰/۰۱۶۲	اندازه شرکت
۱/۹۴	۰/۰۱۱	۲/۵۶	۰/۰۲۸۳	۰/۰۷۲۳	اهرم مالی
۲/۰۴	۰/۰۰۱	-۳/۲۳	۰/۰۳۷۶	-۰/۱۲۱۵	بازده دارایی‌ها
۱/۰۷	۰/۰۰۰	۴/۲۱	۰/۰۰۹۳	۰/۰۳۹۲	رشد فروش
۱/۱۷	۰/۰۰۰	-۳/۹۲	۰/۰۲۵۱	-۰/۰۹۸۵	مخارج سرمایه‌های
۱/۳۴	۰/۳۴۴	-۰/۹۵	۰/۰۰۸۷	-۰/۰۰۸۳	داشتن بخش فرعی
۱/۱۴	۰/۰۱۰	۲/۵۸	۰/۰۰۹۵	۰/۰۲۴۶	لگاریتم طبیعی سن شرکت
۱.۱۳	۰.۵۵۰	-۰.۶	۰.۰۱۸۹	-۰.۰۱۱۳	اندازه هیئت‌مدیره
۱/۳۱	۰/۰۰۰	-۴/۹	۰/۰۲۳۷	-۰/۱۱۶۲	استقلال هیئت‌مدیره
۲/۳۳	۰/۹۰۰	-۰/۱۳	۰/۰۱۱۲	-۰/۰۰۱۴	نوع حسابرس
۲.۲۳	۰/۰۰۵	-۲.۷۹	۰/۰۰۱۵	-۰.۰۰۴۳	دوره تصدی حسابرس
۱/۲۹	۰/۰۰۰	۶/۴۱	۰/۰۱۲۲	۰/۰۷۸۱	مالکیت خانوادگی
۱/۶۵	۰/۰۰۰	۵/۳۹	۰/۰۱۵۸	۰/۰۸۵۰	مالکیت دولتی
۱/۴۵	۰/۲۸۲	-۱/۰۸	۰/۰۲۷۹	-۰/۰۳۰۰	تمرکز مالکیت
۳۲۸/۰۸ (۰/۰۰۰)					آماره والد (معناداری)

شایان‌ذکر است: زمانی که در نرم‌افزار Stata از رویکرد حداقل مربعات تعمیم‌یافته استفاده می‌شود، از مقدار احتمال آماره والد برای بررسی مناسب بودن برآورد انجام‌شده استفاده می‌شود. نرم‌افزار Stata در رویکرد GLS، ضریب تعیین و آماره F را گزارش نمی‌کند. پیوست نتایج آماری (معناداری آماره والد) کم‌تر از ۵٪ در جدول ۳ نشان‌دهنده معناداری مدل رگرسیونی برآورد شده است. با توجه به نتایج جدول ۳ متغیر قدرت مدیرعامل دارای ضریب مثبت ۰/۰۰۸۶ و مقدار احتمال ۰/۰۶۴ است. مقدار بالاتر نرخ مؤثر مالیاتی نشان‌دهنده اجتناب مالیاتی کم‌تر است. در نتیجه می‌توان گفت که بین قدرت مدیرعامل و اجتناب مالیاتی با استفاده از نرخ مؤثر مالیاتی نقدی رابطه منفی و معناداری در سطح خطای ۱۰٪ برقرار است و فرضیه اول پژوهش در سطح اطمینان ۹۰٪ موردپذیرش قرار می‌گیرد. نتایج متغیرهای کنترلی نشان می‌دهد که بین اندازه شرکت، بازده دارایی، مخارج سرمایه‌های، استقلال هیئت‌مدیره و دوره تصدی حسابرس با نرخ مؤثر مالیاتی نقدی (اجتناب مالیاتی) رابطه منفی (مثبت) و معناداری وجود دارد. در مقابل بین اهرم مالی، رشد فروش، سن شرکت، مالکیت خانوادگی و مالکیت دولتی با نرخ مؤثر مالیاتی نقدی (اجتناب مالیاتی) رابطه مثبت

(منفی) و معناداری وجود دارد. درعین حال بین سایر متغیرهای کنترلی و نرخ مؤثر مالیاتی نقدی رابطه معناداری وجود ندارد. علاوه بر این یافته‌های آزمون VIF (بین ۰ تا ۵) نشان از آن دارد که بین متغیرهای مستقل و کنترلی پژوهش هم‌خطی معناداری وجود ندارد.

### ۳-۴- برآورد مدل اول پژوهش (متغیر وابسته: نرخ مؤثر مالیاتی دفتری)

در این بخش نتایج برآورد مدل اول پژوهش با استفاده از نرخ مؤثر مالیاتی دفتری به‌عنوان متغیر وابسته ارائه می‌شود. نتایج آزمون چاو در جدول ۴ بیانگر آن است که فرضیه صفر ( $H_0$ ) این آزمون رد شده و روش پانلی مناسب‌تر است. به‌علاوه نتایج آزمون هاسمن نشان می‌دهد که فرضیه صفر ( $H_0$ ) این آزمون رد شده و روش پانلی با اثرات ثابت در برآورد مدل پژوهش مناسب‌تر است. نتایج آزمون والد تعدیل‌شده در جدول ۴ حاکی از آن است که فرضیه صفر ( $H_0$ ) این آزمون رد شده و مدل از ناهمسانی واریانس در بین جملات خطا رنج می‌برد. نتایج آزمون وولدریج نیز نشان می‌دهد که فرضیه صفر ( $H_0$ ) این آزمون رد شده و خودهمبستگی سریالی در بین جملات خطای مدل وجود دارد. بنابراین برای رفع مشکل ناهمسانی واریانس و خودهمبستگی سریالی از رویکرد حداقل مربعات تعمیم‌یافته (GLS) در برآورد نهایی مدل استفاده می‌شود.

جدول (۴) نتایج آزمون چاو، هاسمن، والد تعدیل‌شده و وولدریج

فرضیه $H_0$	آماره F	P-Value	نتیجه آزمون
استفاده از روش داده‌های پولد (تلفیقی)	۶/۰۲	۰/۰۲۳۰	رد $H_0$ : روش پانلی مناسب‌تر است
استفاده از روش اثرات تصادفی	۲۸/۸۹	۰/۰۱۶۶	رد $H_0$ : روش پانلی با اثرات ثابت
عدم ناهمسانی واریانس	۱/۴۰۶	۰/۰۰۰۰	رد $H_0$ : ناهمسانی واریانس وجود دارد.
عدم خودهمبستگی	۳۵/۴۱۳	۰/۰۰۰۰	رد $H_0$ : وجود خودهمبستگی سریالی

جدول (۵) نتایج برآورد مدل اول پژوهش (متغیر وابسته: نرخ مؤثر مالیاتی دفتری)

متغیر	ضریب	انحراف استاندارد	آماره	مقدار احتمال	VIF
مقدار ثابت	-۰/۰۳۹۳	۰/۰۵۹۶	-۰/۶۶	۰/۵۱۰	--
قدرت مدیرعامل	۰/۰۰۵۵	۰/۰۰۲۰	۲/۷۹	۰/۰۰۵	۱/۲۵
اندازه شرکت	-۰/۰۰۶۳	۰/۰۰۱۶	-۳/۸۵	۰/۰۰۰	۱/۴۱
اهرم مالی	۰/۰۱۰۲	۰/۰۱۳۵	۰/۷۶	۰/۴۵۰	۲/۰۲
بازده دارایی‌ها	۰/۰۵۰۵	۰/۰۱۷۳	۲/۹۱	۰/۰۰۴	۲/۰۲
رشد فروش	۰/۰۰۲۹	۰/۰۰۲۳	۱/۲۵	۰/۲۱۰	۱/۱
مخارج سرمایه‌های	-۰/۰۴۸۶	۰/۰۱۳۲	-۳/۶۷	۰/۰۰۰	۱۹/۱
داشتن بخش فرعی	-۰/۰۲۱۹	۰/۰۰۵۴	-۴/۰۴	۰/۰۰۰	۱/۳۲
لگاریتم طبیعی سن شرکت	۰/۰۱۹۱	۰/۰۰۶۹	۲/۷۶	۰/۰۰۶	۱/۱۴



۱/۱۱	۰/۰۱۱	۲/۵۵	۰/۰۰۸۶	۰/۰۲۲۰	اندازه هیئت‌مدیره
۱/۳۱	۰/۰۳۸	۲/۰۷	۰/۰۱۱۰	۰/۰۲۲۸	استقلال هیئت‌مدیره
۲/۳	۰/۱۴۸	۱/۴۴	۰/۰۰۶۸	۰/۰۰۹۸	نوع حسابرس
۲/۲۱	۰/۰۴۳	-۲/۰۳	۰/۰۰۰۷	-۰/۰۰۱۳	دوره تصدی حسابرس
۱/۲۶	۰/۰۰۰	۵/۵۱	۰/۰۰۷۹	۰/۰۴۳۳	مالکیت خانوادگی
۱/۶۶	۰/۰۰۹	۲/۶۱	۰/۰۰۹۰	۰/۰۲۳۵	مالکیت دولتی
۱/۴۵	۰/۰۰۴	۲/۹۱	۰/۰۱۳۱	۰/۰۳۸۲	تمرکز مالکیت
۱۵۲۸					تعداد مشاهدات
۱۸۸/۸۷ (۰/۰۰۰)					آماره والد (معناداری)

یافته‌های برآورد مدل در جدول ۵ ارائه شده است. معناداری آماره والد (کمتر از ۵٪) بیانگر معناداری مدل رگرسیونی برآورد شده است. همان‌طور که مشاهده می‌گردد، متغیر قدرت مدیرعامل دارای ضریب مثبت ۰/۰۰۵۵ و مقدار احتمال ۰/۰۰۵ است. از آنجا که مقدار بالاتر نرخ مؤثر مالیاتی نشان‌دهنده اجتناب مالیاتی کمتر است، می‌توان اذعان کرد که بین قدرت مدیرعامل و اجتناب مالیاتی با استفاده از نرخ مؤثر مالیاتی دفتری رابطه منفی و معناداری در سطح خطای ۱٪ برقرار است و فرضیه اول پژوهش با استفاده از نرخ مؤثر مالیاتی دفتری در سطح اطمینان ۹۹٪ مورد پذیرش قرار می‌گیرد. نتایج متغیرهای کنترلی حاکی از آن است که بین اندازه شرکت، مخارج سرمایه‌ای، بخش فرعی و دوره تصدی حسابرس با نرخ مؤثر مالیاتی دفتری (اجتناب مالیاتی) ارتباط منفی (مثبت) معناداری وجود دارد. در مقابل، بین بازده دارایی، سن شرکت، اندازه هیئت‌مدیره، استقلال هیئت‌مدیره، مالکیت خانوادگی، مالکیت دولتی و تمرکز مالکیت با نرخ مؤثر مالیاتی دفتری (اجتناب مالیاتی) ارتباط مثبت (منفی) و معناداری وجود دارد اما بین سایر متغیرهای کنترلی و نرخ مؤثر مالیاتی دفتری ارتباط معناداری وجود ندارد. به‌علاوه نتایج آزمون VIF بین ۰ تا ۵ نشان می‌دهد که بین متغیرهای مستقل کنترلی پژوهش هم‌خطی معناداری وجود ندارد.

#### ۴-۴- برآورد مدل دوم پژوهش (متغیر وابسته: نرخ مؤثر مالیاتی نقدی)

در این بخش نتایج برآورد مدل دوم پژوهش با استفاده از نرخ مؤثر مالیاتی نقدی به‌عنوان متغیر وابسته ارائه می‌شود. یافته‌های آزمون چاو در جدول ۶ نشان می‌دهد که فرضیه صفر این آزمون رد شده و روش پانلی مناسب‌تر است. یافته‌های آزمون هاسمن نیز نشان می‌دهد که فرضیه صفر ( $H_0$ ) این آزمون رد شده و روش پانلی با اثرات ثابت در برآورد مدل پژوهش مناسب‌تر است. نتایج آزمون والد تعدیل شده در جدول ۶ بیانگر آن است که فرضیه صفر ( $H_0$ ) این آزمون رد شده و مدل از ناهمسانی واریانس در بین جملات خطا رنج می‌برد. همچنین نتایج آزمون وولدریج حاکی از آن است که فرضیه صفر ( $H_0$ ) این آزمون رد شده و خودهمبستگی سریالی در بین جملات خطای

مدل وجود دارد. از این رو در برآورد نهایی مدل از رویکرد حداقل مربعات تعمیم‌یافته (GLS) برای رفع مشکل ناهمسانی واریانس و خودهمبستگی سریالی استفاده می‌شود.

### جدول (۶) نتایج آزمون چاو، هاسمن، والد تعدیل‌شده و وولدریچ

نتیجه آزمون	P-Value	آماره F	فرضیه $H_0$
رد $H_0$ : روش پانلی مناسب‌تر است	۰/۰۰۳۲	۱/۳۴	استفاده از روش داده‌های پولد (تلفیقی)
رد $H_0$ : روش پانلی با اثرات ثابت	۰/۰۰۹۵	۳۳/۵۹	استفاده از روش اثرات تصادفی
رد $H_0$ : ناهمسانی واریانس وجود دارد.	۰/۰۰۰۰	۰۶+۳/۵e	عدم ناهمسانی واریانس
رد $H_0$ : وجود خودهمبستگی سریالی	۰/۰۴۵۰	۴/۰۷۵	عدم خودهمبستگی

### جدول (۷) نتایج برآورد مدل دوم پژوهش (متغیر وابسته: نرخ مؤثر مالیاتی نقدی)

VIF	مقدار احتمال	آماره	انحراف استاندارد	ضریب	متغیر
-	۰/۰۱۶	۴۰/۲	۰/۱۴۹۸	۰/۳۵۹۷	مقدار ثابت
۱/۴۱	۰/۰۱۷	۲/۳۹	۰/۰۰۵۶	۰/۰۱۳۳	قدرت مدیرعامل
۴/۰۸	۰/۱۶۹	-۱/۳۸	۰/۰۲۲۳	-۰/۰۳۰۷	کیفیت کمیته حسابرسی
۴/۱۱	۰/۶۷۶	-۰/۴۲	۰/۰۱۲۸	-۰/۰۰۵۴	قدرت* کیفیت
۱/۴۷	۰/۰۰۰	-۳/۵۹	۰/۰۰۴۰	-۰/۰۱۴۳	اندازه شرکت
۲/۰۳	۰/۳۰۱	۱/۰۳	۰/۰۳۶۵	۰/۰۳۷۷	اهرم مالی
۱۲/۲	۰/۰۰۱	-۳/۲۹	۰/۰۴۸۴	-۰/۱۵۹۱	بازده دارایی‌ها
۱/۰۹	۰۰۰/۰	۳/۶۹	۰/۰۰۹۳	۰/۰۳۴۴	رشد فروش
۱/۱۹	۰/۰۰۰	-۳/۹۹	۰/۰۳۱۶	-۰/۱۲۶۰	مخارج سرمایه‌های
۱/۳۷	۰/۵۷۳	-۰/۵۶	۰/۰۱۱۱	-۰/۰۰۶۳	داشتن بخش فرعی
۱/۱۵	۰/۰۲۵	۲/۲۴	۰/۰۱۲۵	۰/۰۲۸۰	لگاریتم طبیعی سن شرکت
۱/۱۵	۰/۵۳۶	-۰/۶۲	۰/۰۲۲۱	-۰/۰۱۳۷	اندازه هیئت‌مدیره
۱/۲۸	۰/۰۴۸	-۱/۹۷	۰/۰۲۷۷	-۰/۰۵۴۶	استقلال هیئت‌مدیره
۲/۳۲	۰/۱۶۶	-۱/۳۸	۰/۰۱۴۶	-۰/۰۲۰۲	نوع حسابرس
۲/۲۲	۰/۰۴۷	-۱/۹۸	۰/۰۰۱۷	-۰/۰۰۳۴	دوره تصدی حسابرس
۱/۲۷	۰/۰۰۰	۴/۳۵	۰/۰۱۶۲	۰/۰۷۰۶	مالکیت خانوادگی
۱/۷۰	۰/۰۰۰	۳/۵۴	۰/۰۱۸۰	۰/۰۶۳۸	مالکیت دولتی
۱/۴۸	۰/۵۰۴	۰/۶۷	۰/۰۳۵۹	۰/۰۲۴۰	تمرکز مالکیت
۱۱۹۴					تعداد مشاهدات
۲۱۹.۲۸ (۰.۰۰۰)					آماره والد (معناداری)

یافته‌های برآورد مدل در جدول ۷ آمده است. معناداری آماره والد (کم‌تر از ۵٪) نشان می‌دهد که مدل رگرسیونی به‌طور مناسب برآورد شده است. در این مدل نیز متغیر قدرت مدیرعامل دارای ضریب مثبت (منفی) و معنادار با نرخ مؤثر مالیاتی نقدی (اجتناب مالیاتی) است. متغیر کیفیت کمیته حسابرسی دارای ضریب منفی ۰/۰۳۰۷ و مقدار احتمال ۰/۱۶۹ است. بنابراین کیفیت کمیته حسابرسی اثر منفی (مثبت) و غیرمعنادار بر نرخ مؤثر مالیاتی نقدی (اجتناب مالیاتی) دارد. متغیر اثر هم‌زمان قدرت مدیرعامل و کیفیت کمیته حسابرسی (قدرت\*کیفیت) دارای ضریب منفی ۰/۰۰۵۴ و مقدار احتمال ۰/۶۷۶ است. بنابراین می‌توان ادعان کرد که کیفیت کمیته حسابرسی تأثیر معناداری بر رابطه بین قدرت مدیرعامل و اجتناب مالیاتی (با استفاده از نرخ مؤثر مالیاتی نقدی) ندارد و فرضیه دوم پژوهش رد می‌گردد. مشابه با مدل اول نتایج متغیرهای کنترلی نشان می‌دهد که بین اندازه شرکت، بازده دارایی، مخارج سرمایه‌ای، استقلال هیئت‌مدیره و دوره تصدی حسابرس با نرخ مؤثر مالیاتی نقدی (اجتناب مالیاتی) رابطه منفی (مثبت) و معناداری برقرار است. در مقابل رشد فروش، سن شرکت، مالکیت خانوادگی و مالکیت دولتی اثر مثبت (منفی) و معناداری بر نرخ مؤثر مالیاتی نقدی (اجتناب مالیاتی) دارد. باین حال بین سایر متغیرهای کنترلی و نرخ مؤثر مالیاتی نقدی رابطه معناداری وجود ندارد. نتایج آزمون VIF (بین ۰ تا ۵) نیز بیانگر آن است که بین متغیرهای مستقل و کنترلی پژوهش هم‌خطی معناداری وجود ندارد.

#### ۴-۵- برآورد مدل دوم پژوهش (متغیر وابسته: نرخ مؤثر مالیاتی دفتری)

در این بخش نتایج برآورد مدل دوم پژوهش با استفاده از نرخ مؤثر مالیاتی دفتری به‌عنوان متغیر وابسته ارائه می‌شود. یافته‌های جدول ۸ نشان می‌دهد که فرضیه صفر ( $H_0$ ) آزمون چاو رد شده و روش پانلی مناسب‌تر است. همچنین فرضیه صفر ( $H_0$ ) آزمون هاسمن رد شده و روش پانلی با اثرات ثابت در برآورد مدل پژوهش مناسب‌تر است. یافته‌های دیگر در جدول ۸ بیانگر آن است که فرضیه صفر ( $H_0$ ) آزمون والد تعدیل‌شده و آزمون وولدریج رد شده است. در نتیجه ناهمسانی واریانس و خودهمبستگی سریالی در بین جملات خطای مدل وجود دارد. بنابراین در برآورد نهایی مدل از رویکرد حداقل مربعات تعمیم‌یافته (GLS) استفاده می‌گردد.

#### جدول (۸) نتایج آزمون چاو، هاسمن، والد تعدیل‌شده و وولدریج

نتیجه آزمون	P-Value	آماره F	فرضیه $H_0$
رد $H_0$ : روش پانلی مناسب‌تر است	۰/۰۰۰۰	۵/۳۰	استفاده از روش داده‌های پولد (تلفیقی)
رد $H_0$ : روش پانلی با اثرات ثابت	۰/۰۰۰۰	۶۶/۵۶	استفاده از روش اثرات تصادفی
رد $H_0$ : ناهمسانی واریانس وجود دارد.	۰/۰۰۰۰	۱/۵۳۰	عدم ناهمسانی واریانس
رد $H_0$ : وجود خودهمبستگی سریالی	۰/۰۰۰۰	۳۴/۴۹۳	عدم خودهمبستگی

## جدول (۹) نتایج برآورد مدل دوم پژوهش (متغیر وابسته: نرخ مؤثر مالیاتی دفتري)

متغیر	ضریب	انحراف استاندارد	آماره	مقدار احتمال	VIF
مقدار ثابت	-۰/۳۷۲	۰/۰۵۴۷	-۰/۶۸	۰/۴۹۷	--
قدرت مدیرعامل	۰/۰۰۸۱	۰/۰۰۲۰	۰۸/۴	۰/۰۰۰	۱/۴۰
کیفیت کمیته حسابرسی	-۰/۰۱۰۳	۰/۰۰۸۱	-۱/۲۸	۰/۲۰۱	۴/۰۱
قدرت* کیفیت	-۰/۰۰۲۲	۰/۰۰۴۶	-۰/۴۷	۰/۶۳۸	۴/۰۶
اندازه شرکت	-۰/۰۰۶۰	۰/۰۰۱۵	-۳/۹۸	۰/۰۰۰	۱/۴۵
اهرم مالی	۰/۰۱۲۷	۰/۰۱۳۵	۰/۹۴	۰/۳۴۵	۲/۱۰
بازده دارایی‌ها	۰/۰۵۸۴	۰/۰۱۷۴	۳/۳۶	۰/۰۰۱	۲/۲۳
رشد فروش	۰/۰۲۸۰	۰/۰۰۲۵	۱/۱۴	۰/۲۵۴	۱/۱۱
مخارج سرمایه‌ای	-۰۵۸۶/۰	۰/۰۱۲۹	-۴/۵۴	۰/۰۰۰	۱/۲۱
داشتن بخش فرعی	-۰/۰۱۹۶	۰/۰۰۵۱	-۳/۸۸	۰/۰۰۰	۱/۳۴
لگاریتم طبیعی سن شرکت	۱/۰۱۹۷	۰/۰۰۶۸	۲/۹۱	۰/۰۰۴	۱/۱۵
اندازه هیئت‌مدیره	۰/۰۲۲۱	۰/۰۰۸۴	۲/۶۲	۰/۰۰۸	۱/۱۳
استقلال هیئت‌مدیره	۰/۰۱۷۸	۰/۰۱۰۶	۱/۶۹	۰/۰۹۲	۱/۲۸
نوع حسابرس	۰/۰۰۲۹	۰/۰۰۶۷	۰/۴۳	۰/۶۶۴	۲/۲۸
دوره تصدی حسابرس	-۰/۰۰۱۴	۰/۰۰۰۶	-۲/۱۲	۰/۰۳۴	۲/۲۰
مالکیت خانوادگی	۰/۰۳۰۲	۰/۰۰۵۳	۵/۷۵	۰/۰۰۰	۱/۲۵
مالکیت دولتی	۰/۰۲۷۳	۰/۰۰۸۸	۳/۰۹	۰/۰۰۲	۱/۷۲
تمرکز مالکیت	۰/۰۲۹۱	۰/۰۱۰۹	۲/۶۸	۰/۰۰۷	۱/۴۹
تعداد مشاهدات	۱۳۸۶				
آماره والد (معناداری)	۲۴۱/۵۳ (۰.۰۰۰)				

نتایج برآورد مدل در جدول ۹ ارائه شده است. معناداری آماره والد (کمتر از ۵٪) نشان‌دهنده معناداری مدل رگرسیونی است. همچنین در این مدل متغیر قدرت مدیرعامل دارای ضریب مثبت (منفی) و معنادار با نرخ مؤثر مالیاتی دفتري (اجتناب مالیاتی) است. متغیر کیفیت کمیته حسابرسی دارای ضریب منفی ۰/۰۱۰۳ و مقدار احتمال ۰/۲۰۱ است. در نتیجه کیفیت کمیته حسابرسی اثر منفی (مثبت) و غیرمعنادار بر نرخ مؤثر مالیاتی دفتري (اجتناب مالیاتی) دارد. در این مدل نیز متغیر اثر هم‌زمان قدرت مدیرعامل و کیفیت کمیته حسابرسی (قدرت\*کیفیت) دارای ضریب منفی ۰/۰۰۲۲ و مقدار احتمال ۰/۶۳۸ است. از این‌رو می‌توان استدلال کرد که کیفیت کمیته حسابرسی تأثیر معناداری بر رابطه بین قدرت مدیرعامل و اجتناب مالیاتی با استفاده از نرخ مؤثر مالیاتی دفتري ندارد. فرضیه دوم پژوهش مورد تأیید قرار نمی‌گیرد. مشابه با مدل دوم نتایج متغیرهای کنترلی حاکی از آن است که اندازه شرکت، مخارج سرمایه‌ای، بخش فرعی و دوره تصدی حسابرس اثر منفی (مثبت) بر نرخ مؤثر مالیاتی دفتري (اجتناب مالیاتی) دارد. در مقابل بازده دارایی، سن شرکت، اندازه

هیئت‌مدیره، استقلال هیئت‌مدیره، مالکیت خانوادگی، مالکیت دولتی و تمرکز مالکیت اثر مثبت (منفی) بر نرخ مؤثر مالیاتی دفتری (اجتناب مالیاتی) دارد. اما بین سایر متغیرهای کنترلی و نرخ مؤثر مالیاتی دفتری رابطه معناداری وجود ندارد. یافته‌های آزمون VIF (بین ۰ تا ۵) نشان می‌دهد که بین متغیرهای مستقل و کنترلی پژوهش هم‌خطی معناداری وجود ندارد.

#### ۴-۶- برآورد مدل‌های پژوهش با کنترل اثرات سال و صنعت

در این قسمت مدل‌های پژوهش با کنترل اثرات ثابت سال و صنعت و بدون کنترل اثرات ثابت شرکت برآورد می‌شود. وقتی در مدل مدنظر اثرات ثابت سال و صنعت گنجانده می‌شود، دیگر نمی‌توان آزمون‌های انتخاب الگو را استفاده نمود و هر نوع برآوردی غیر از رویکرد OLS (حداقل مربعات معمولی) باعث ایجاد خطا در نرم‌افزار ناشی از هم‌خطی یا عدم وجود شروط پایه برای برآورد مدل می‌شود (افلاطونی، ۱۳۹۷). بر این اساس مدل‌های پژوهش با روش حداقل مربعات معمولی و کنترل اثرات ثابت سال و صنعت برآورد می‌شود. در جدول ۱۰ یافته‌های برآورد مدل اول پژوهش با کنترل اثرات ثابت سال و صنعت ارائه گردیده است. نتایج در این روش نیز نشان می‌دهد که متغیر قدرت مدیرعامل تأثیر مثبتی بر نرخ‌های مؤثر مالیاتی نقدی و دفتری دارد. بنابراین در روش حداقل مربعات معمولی مشابه با روش حداقل مربعات تعمیم‌یافته، بین قدرت مدیرعامل و اجتناب مالیاتی رابطه منفی و معناداری مشاهده می‌گردد و فرضیه اول پژوهش در روش حداقل مربعات معمولی نیز پذیرفته می‌شود.

#### جدول (۱۰) نتایج برآورد مدل اول پژوهش با کنترل اثرات سال و صنعت

نرخ مؤثر مالیاتی دفتری		نرخ مؤثر مالیاتی نقدی		متغیر وابسته
مقدار احتمال	ضریب	مقدار احتمال	ضریب	متغیر
۰/۶۹۸	۰/۰۴۳۰	۰/۰۱۸	۰/۸۳۱۸	مقدار ثابت
۰/۰۳۵	۰/۰۰۸۶	۰/۱۰۹	۰/۰۲۷۳	قدرت مدیرعامل
۰/۰۹۳	-۰/۰۰۶۶	۰/۰۰۶	-۰/۰۳۵۳	اندازه شرکت
۰/۶۲۳	۰/۰۱۲۳	۰/۱۳۴	۰/۱۷۳۳	اهرم مالی
۰/۰۲۹	۰/۰۸۳۰	۰/۱۳۴	-۰/۲۵۹۸	بازده دارایی‌ها
۰/۹۳۲	-۰/۰۰۰۴	۰/۱۷۸	۰/۰۵۳۱	رشد فروش
۰/۱۰۴	-۰/۰۴۳۶	۰/۷۸۸	-۰/۰۳۰۶	مخارج سرمایه‌ای
۰/۱۹۱	-۰/۰۱۲۶	۰/۰	۰/۰۲۵۸	داشتن بخش فرعی
۰/۶۳۵	۰/۰۰۵۸	۰۰/۲۷۱	-۰/۰۴۱۴	لگاریتم طبیعی سن شرکت
۰/۴۴۶	۰/۰۱۱۹	۰/۴۷۱	-۰/۰۳۵۰	اندازه هیئت‌مدیره
۰/۸۶۵	۰/۰۰۴۰	۰/۳۴۲	-۰/۰۹۸۸	استقلال هیئت‌مدیره
۰/۲۳۴	۰/۰۱۴۰	۰/۹۷۲	-۰/۰۰۱۷	نوع حسابداری

دوره تصدی حسابرس	-۰/۰۰۰۷	۰/۹۱۲	-۰/۰۰۱۷	۰/۱۴۴
مالکیت خانوادگی	۰/۰۶۰۴	۰/۲۲۰	۰/۰۱۶۱	۰/۲۶۶
مالکیت دولتی	۰/۰۶۰۴	۰/۰۳۳	۰/۰۱۸۹	۰/۲۵۱
تمرکز مالکیت	-۰/۱۰۶۹	۰/۲۱۲	۰/۰۲۵۹	۰/۲۴۹
تعداد مشاهدات	۱۳۳۷		۱۵۲۸	
اثرات سال و صنعت	کنترل شد	کنترل شد	کنترل شد	
کلاستر در سطح شرکت	کنترل شد	کنترل شد	کنترل شد	
ضریب تعیین	۰/۰۷۱		۰/۱۸۰	

### جدول (۱۱) نتایج برآورد مدل دوم پژوهش با کنترل اثرات سال و صنعت

متغیر وابسته	نرخ مؤثر مالیاتی نقدی		نرخ مؤثر مالیاتی دفتری	
	ضریب	مقدار احتمال	ضریب	مقدار احتمال
مقدار ثابت	۰/۸۰۱۸	۰/۰۳۳	۰/۰۰۹۶	۰/۹۲۸
قدرت مدیرعامل	۰/۰۳۶۹	۰/۰۱۳	۰/۰۰۹۲	۰/۰۲۸
کیفیت کمیته حسابرسی	۰/۰۶۷۲	۰/۴۱۷	-۰/۰۳۳۲	۰/۰۷۰
قدرت * کیفیت	۰/۰۲۰۲	۰/۶۶۹	۰/۰۱۰۹	۰/۰۲۷۲
اندازه شرکت	-۰/۰۳۷۲	۰/۰۰۳	-۰/۰۰۷۵	۰/۰۳۴
اهرم مالی	۰/۱۵۰۴	۰/۱۹۶	۰/۰۱۸۴	۰/۴۳۳
بازده دارایی‌ها	-۰/۲۵۹۷	۰/۱۲۹	۰/۰۸۵۸	۰/۰۲۱
رشد فروش	۰/۰۶۶۶	۰/۱۳۸	۰/۰۰۱۴	۰/۷۵۷
مخارج سرمایه‌ای	-۰/۱۰۱۲	۰/۳۴۸	-۰/۰۴۹۵	۰/۰۵۵
داشتن بخش فرعی	۰/۰۴۲۹	۰/۳۰۵	-۰/۰۰۹۰	۰/۳۳۱
لگاریتم طبیعی سن شرکت	-۰/۰۳۷۰	۰/۳۴۲	۰/۰۰۵۲	۰/۶۴۹
اندازه هیئت‌مدیره	-۰/۰۳۹۲	۰/۴۵۴	۰/۰۱۶۲	۰/۲۸۷
استقلال هیئت‌مدیره	-۰/۰۲۱۷	۰/۸۴۵	۰/۰۱۳۹	۰/۵۵۱
نوع حسابرس	-۰/۰۱۷۶	۰/۷۲۰	۰/۰۰۹۷	۰/۴۰۶
دوره تصدی حسابرس	۰/۰۰۱۲	۰/۸۳۸	-۰/۰۰۱۳	۰/۲۴۹
مالکیت خانوادگی	۰/۰۷۴۷	۰/۱۸۱	۰/۰۱۰۲	۰/۴۹۰
مالکیت دولتی	۰/۱۲۳۹	۰/۰۳۲	۰/۰۲۳۶	۰/۱۲۹
تمرکز مالکیت	-۰/۱۴۹۲	۰/۱۱۷	۰/۰۳۵۲	۰/۱۲۱
تعداد مشاهدات	۱۱۹۵		۱۳۶۸	
اثرات سال و صنعت	کنترل شد	کنترل شد	کنترل شد	
کلاستر در سطح شرکت	کنترل شد	کنترل شد	کنترل شد	
ضریب تعیین	۰/۰۸۶		۰/۱۹۶	

در جدول ۱۱ یافته‌های برآورد مدل دوم پژوهش با کنترل اثرات ثابت سال و صنعت فراهم شده است. متغیر اثر تعاملی قدرت مدیرعامل و کیفیت کمیته حسابرسی (قدرت\*کیفیت) تأثیر معناداری بر نرخ‌های مؤثر مالیاتی نقدی و دفتری ندارد. بنابراین در روش حداقل مربعات معمولی مشابه با روش حداقل مربعات تعمیم‌یافته، کیفیت کمیته حسابرسی تأثیر معناداری بر رابطه بین قدرت مدیرعامل و اجتناب مالیاتی ندارد و فرضیه دوم پژوهش در روش حداقل مربعات معمولی نیز رد می‌گردد.

## ۵- بحث و نتیجه‌گیری

هدف اصلی پژوهش حاضر بررسی تأثیر قدرت مدیران عامل بر اجتناب مالیاتی با در نظر گرفتن نقش تعدیلی کیفیت کمیته حسابرسی بود. کمیته حسابرسی دارای نقش و وظایف متعددی است که در صورت استقرار و عملکرد صحیح در واحدهای اقتصادی، تأثیر مثبتی در عملکرد واحد حسابرسی داخلی، همچنین قدرت مدیرعامل و اجتناب مالیاتی هر واحد اقتصادی دارد. با مطالعه سابقه و تجربه واحدهای اقتصادی کشورهای توسعه‌یافته در زمینه ایجاد و بکارگیری کمیته حسابرسی، بدیهی است وجود کمیته حسابرسی نیاز اساسی هر واحد اقتصادی است که می‌تواند حافظ قابل اعتماد منافع استفاده‌کنندگان اطلاعات حسابداری و گزارش‌های مالی به‌ویژه سرمایه‌گذاران به‌عنوان تأمین‌کنندگان سرمایه باشد. در این راستا اطلاعات ۱۹۱ شرکت بورسی طی سال‌های ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۹ گردآوری شد. این اطلاعات در نرم‌افزار اکسل مرتب و جهت تجزیه و تحلیل به نرم‌افزار Stata14 منتقل شد. در تجزیه و تحلیل آماری نخست به بررسی آماره‌های توصیفی و سپس آمار استنباطی با استفاده از روش‌های مناسب پرداخته شد. در فرضیه اول به آزمون تأثیر قدرت مدیرعامل بر اجتناب مالیاتی پرداخته شد. اجتناب مالیاتی با دو نرخ مؤثر مالیاتی نقدی و دفتری محاسبه گردید. لازم به ذکر است که هر چه نرخ مؤثر مالیاتی نقدی و دفتری بیش‌تر باشد، اجتناب مالیاتی کم‌تر است. نتایج برآورد مدل اول پژوهش با نرخ مؤثر مالیاتی نقدی نشان داد که قدرت مدیرعامل دارای ضریب مثبت (۰/۰۸۶) و مقدار احتمال (۰/۰۶۴) است. علاوه بر این نتایج برآورد مدل اول پژوهش با نرخ مؤثر مالیاتی دفتری نشان داد که قدرت مدیرعامل دارای ضریب مثبت (۰/۰۵۵) و مقدار احتمال (۰/۰۰۵) است. بنابراین فرضیه اول پژوهش با هر دو نرخ مؤثر مالیاتی نقدی و دفتری موردپذیرش قرار گرفت. این یافته‌ها بیانگر آن است که اجتناب مالیاتی در شرکت‌های دارای مدیران عامل قدرتمند نسبت به سایر شرکت‌ها کم‌تر است. این یافته مطابق با تئوری شهرت مدیریتی است که حاکی از اثر مثبت مدیران عامل قدرتمند و نقش آن‌ها در افزایش عملکرد و کاهش اجتناب مالیاتی است. به بیان دیگر مطابق با تئوری شهرت مدیریتی می‌توان ادعا کرد که مدیران عامل قدرتمند از نظر مالی و سرمایه‌گذاری محافظه‌کارتر هستند و رفتارهای فرصت‌طلبانه کم‌تری را بروز می‌دهند. در نتیجه آن‌ها فرار مالیاتی کم‌تری را انجام می‌دهند. در واقع قدرت در جایگاه یک ویژگی اساسی مدیرعامل که زمینه اثربخشی او را در سازمان فراهم می‌کند، باعث کاهش فرار مالیاتی می‌شود.

این امکان نیز وجود دارد که مدیرعامل‌های قدرتمند با درک مناسب از سیستم حسابداری مالی و قوانین موجود بیش‌تر به سمت سرمایه‌گذاری‌های محافظه‌کارانه بلندمدت سوق پیدا کنند. همچنین مدیران قدرتمند دارای استقلال بیش‌تر و جایگاه نظارتی بیش‌تری هستند که این موجب کاهش تضييع حقوق ذی‌نفعان و کاهش تضاد نمایندگی می‌شود. بنابراین کاهش تضاد نمایندگی موجب کاهش عدم تقارن اطلاعاتی و عدم شفافیت اطلاعات مالی می‌شود که به تبع آن فرار مالیاتی کاهش می‌یابد. در فرضیه دوم به آزمون تأثیر کیفیت کمیته حسابرسی بر رابطه بین قدرت مدیرعامل و اجتناب مالیاتی پرداخته شد. نتایج برآورد مدل دوم پژوهش با نرخ مؤثر مالیاتی نقدی نشان داد که اثر هم‌زمان قدرت مدیرعامل و کیفیت کمیته حسابرسی دارای ضریب منفی (۰/۰۰۵۴-) و مقدار احتمال (۰/۶۷۶) است. افزون بر این، نتایج برآورد مدل دوم پژوهش با نرخ مؤثر مالیاتی دفتری نشان داد که اثر هم‌زمان قدرت مدیرعامل و کیفیت کمیته حسابرسی دارای ضریب منفی (۰/۰۰۲۲-) و مقدار احتمال (۰/۶۳۸) است. بنابراین فرضیه دوم پژوهش با هر دو نرخ مؤثر مالیاتی نقدی و دفتری مورد تأیید قرار نگرفت. این یافته‌ها نشان می‌دهد که کیفیت کمیته حسابرسی تأثیر معناداری بر رابطه بین قدرت مدیرعامل و اجتناب مالیاتی ندارد که برخلاف ادبیات این حوزه در رابطه با نقش مؤثر کمیته‌های حسابرسی با کیفیت است. با بررسی تحقیقات انجام‌شده در سطح داخلی و خارجی، تحقیقی که به‌طور مستقیم نقش کمیته حسابرسی بر رابطه بین قدرت مدیرعامل و اجتناب مالیاتی را بررسی کرده باشد، یافت نشد. با این حال تحقیقات اندکی در خصوص تأثیر قدرت مدیران عامل بر مدیریت مالیاتی انجام شده است. از جمله یافته‌های فرضیه اول پژوهش که اثر منفی مدیران عامل قدرتمند بر اجتناب مالیاتی را نشان داد موافق با تحقیق کاویان‌فر و همکاران (۱۳۹۹) است که نشان دادند مدیران عامل قدرتمند مدیریت مالیات کم‌تری انجام می‌دهند. به‌علاوه این نتیجه هم‌راستا با تحقیق لی و کاو (۲۰۲۱) است. آن‌ها دریافتند که قدرت مدیرعامل با کاهش اجتناب مالیاتی در ارتباط است. یافته‌های فرضیه دوم در خصوص عدم اثر معنادار کیفیت کمیته حسابرسی مخالف با تحقیقات موجود در ارتباط با اثربخشی کمیته‌های حسابرسی با کیفیت است (آبوت و همکاران، ۲۰۰۴؛ سولتانان، ۲۰۱۵؛ اورادی و همکاران، ۱۳۹۵؛ حاجیها و همکاران، ۱۳۹۷).

یافته‌های پژوهش می‌تواند به‌طور کلی فعالان بازار سرمایه و به‌طور خاص مدیران عامل شرکت‌ها را به تقویت و استقرار کمیته‌های حسابرسی ترغیب نماید. چراکه وجود کمیته حسابرسی در شرکت دارای آثار مثبت بر ارزش شرکت است. بر اساس نتایج تحقیق پیشنهاد می‌شود سازمان امور مالیاتی رهنمودها و یا آیین‌نامه‌های اخلاق حرفه‌ای را طوری تدوین کند که به‌طور اختصاصی رابطه ابعاد قدرت مدیرعامل را با هریک از فعالیت‌های مدیریت مالیاتی از قانونی (اجتناب مالیاتی) گرفته تا غیرقانونی (فرار و راهکار جسورانه مالیاتی) تبیین سازد تا مأموران مالیاتی هنگام رسیدگی به آن توجه ویژه داشته باشند، یا حساب‌رسان کاربرگی برای ارزیابی قدرت مدیرعامل طراحی کنند و این کاربرگ را ضمن درج در پرونده دائمی به کاربرگ رسیدگی به مالیات‌های شرکت ارتباط دهند. توصیه می‌شود سازمان امور مالیاتی با تدوین و اجرای قوانین



مالیاتی مناسب با افزایش تعداد نیروی انسانی در اداره دارایی متناسب با تعداد زیاد شرکت‌ها و آموزش کافی به کارکنان و مدیریت کارآمد بخش وصول مالیات با مسائل مربوط به مدیریت مالیاتی مقابله کنند. همچنین به سازمان بورس اوراق بهادار پیشنهاد می‌گردد نظارت کافی بر تشکیل کمیته‌های حسابرسی مطابق با دستورالعمل اجرایی و نیل به اهداف آن داشته باشد. می‌توان اذعان کرد که سازمان بورس اوراق بهادار از سال ۱۳۹۱ شرکت‌های بورسی و فرابورسی را ملزم به تشکیل کمیته حسابرسی کرده است. اگرچه این یک رویداد مهم تلقی می‌گردد و می‌تواند باعث بهبود ساختار حاکمیتی و نظارتی شرکت‌ها شود ولی بدون نظارت کافی اثربخشی کمیته‌ها تحت تأثیر قرار می‌گیرد. با توجه به الزام شرکت‌ها به تشکیل کمیته‌ها بلافاصله بعد از ابلاغ منشور کمیته حسابرسی تاکنون بسیاری از شرکت‌ها کمیته حسابرسی را تشکیل نداده یا در سال‌های آخر دوره زمانی پژوهش اقدام به تشکیل کمیته کرده‌اند. افزون بر این در بعضی از مواقع منشور کمیته حسابرسی توسط شرکت‌ها نادیده گرفته می‌شود. برای مثال گاهی با بررسی اسامی اعضای کمیته‌های حسابرسی برخی از شرکت‌ها مشاهده می‌شود که از اعضای مستقل در ترکیب خود استفاده نمی‌کنند یا برخی از اعضای کمیته حسابرسی هم‌زمان به‌عنوان رئیس حسابرسی داخلی نیز فعالیت می‌کنند. این موضوع برخلاف منشور کمیته حسابرسی می‌باشد. همچنین تعداد جلسات کمیته حسابرسی یا افشا نمی‌شود و یا کمیته‌ها حداقل تعداد جلسات الزامی (۶ جلسه) را برگزار نمی‌کنند. مجموع موارد فوق نشان می‌دهد که سازمان بورس و اوراق بهادار بایستی بر عملکرد کمیته‌های حسابرسی نظارت کافی داشته باشد. با انجام هر پژوهش، راه به‌سوی مسیری جدیدی باز می‌شود و ادامه راه مستلزم انجام پژوهش‌های دیگری است. بنابراین به پژوهشگران آتی پیشنهاد می‌شود که به بررسی تأثیر قدرت مدیران عامل بر دقت پیش‌بینی سود، گزارش‌گری پایداری و ریسک‌پذیری شرکت بپردازند. همچنین به بررسی و تحلیل فعالیت‌های مدیریت مالیاتی شرکت در دوران شروع به‌کارگیری مدیران قدرتمند و پس از خاتمه کار با مدیران قدرتمند در مراحل مختلف چرخه عمر شرکت‌ها، و نهایتاً به بررسی اثر تعدیل‌کنندگی کیفیت هیئت‌مدیره و کمیته حسابرسی بر رابطه بین قدرت مدیرعامل و کیفیت واپایش‌های داخلی، هزینه‌های نمایندگی و ریسک ورشکستگی بپردازند.

## منابع

- اعتمادی، حسین، سپاسی، سحر، ساری، محمدعلی. (۱۳۹۵). چارچوب مفهومی طرح‌ریزی مالیات شرکتی، نشریه حسابداری و منافع اجتماعی، ۶(۱)، ۶۱-۸۰.
- اورادی، جواد، صالحی، مهدی، سالاری فورگ، زینب. (۱۳۹۵). تأثیر وجود کمیته حسابرسی و ویژگی‌های آن بر تأخیر گزارش حسابرسی، دانش حسابداری، ۷(۲۶)، ۵۹-۸۳.
- بختیاری صفا، لیلیا، رضایی، فرزین، نژادتولمی، بابک. (۱۴۰۰). اثر پیچیدگی گزارش‌گری مالی بر تخصص حسابداری اعضای هیئت‌مدیره و اعضای کمیته حسابرسی و نقاط ضعف کنترل داخلی. پژوهش‌های حسابداری حرفه‌ای، ۲(۵)، ۱۵۸-۱۸۰.

پور حیدری، امید، سروستانی، امیر. (۱۳۹۲). شناسایی و تبیین عوامل مؤثر بر مدیریت مالیات، فصلنامه دانش حسابداری، ۴(۱۲)، ۸۹-۱۱۰.

پورحیدری، امید، فدوی، محمدحسن، امینی نیا، میثم. (۱۳۹۳). بررسی تأثیر اجتناب از پرداخت مالیات بر شفافیت گزارش‌گری مالی شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس، پژوهشنامه اقتصادی، ۱۴(۵۲)، ۶۹-۸۵.

پورقاز، عبدالوهاب، محمدی، امین. (۱۳۹۰). بررسی رابطه منابع قدرت مدیران با ویژگی‌های شخصیتی کارآفرینی کارکنان، پژوهش‌های مدیریت عمومی، ۴(۱۲)، ۱۱۱-۱۳۰.

خادم، الهام. (۱۳۹۷). بررسی تأثیر قدرت مدیرعامل بر شفافیت اطلاعات، پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران.

خواجوی، شکراله، جهاندوست مرغوب، مهران، ویسی حصار، ثریا. (۱۴۰۰). ارتباط غیرخطی بین قدرت مدیرعامل و ساختار سرمایه با تأکید بر نقش اندازه شرکت‌ها، تحقیقات مالی، ۳۳(۱)، ۴۰-۶۳.

ساری، محمدعلی، اعتمادی، حسین. (۱۳۹۸). بررسی تأثیر اجتناب مالیاتی بر ریسک مالیاتی شرکت‌ها، پژوهش‌های تجربی حسابداری، ۹(۳۳)، ۳۵۳-۳۷۵.

ستایش، محمدحسین، ابراهیمی، فهیمه. (۱۴۰۰). رابطه جانشینی میزان استفاده از اهرم مالی در ساختار سرمایه و اجتناب مالیاتی، پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی، ۱۳(۴۹)، ۵۳-۷۲.

سجادی، حسین، منتی، وحید، وطن‌خواه، فرامرز. (۱۴۰۱). تأثیر تنوع جنسیتی در کمیته حسابرسی بر عملکرد شرکت، پژوهش‌های حسابرسی حرفه‌ای، ۲(۷)، ۵۰-۷۸.

صالحی، مهدی، اورادی، جواد، سالاری فورگ، زینب. (۱۳۹۵). تأثیر وجود کمیته حسابرسی و ویژگی‌های آن بر تأخیر گزارش حسابرسی، مجله دانش حسابداری، ۷(۲۶)، ۵۹-۸۳.

فیض‌آبادی، فرشته. (۱۴۰۱). نقش تعدیل‌کننده زنان کمیته حسابرسی در بررسی تأثیر تخصص اعضای کمیته بر مدیریت سود، پژوهش‌های حسابرسی حرفه‌ای، ۲(۷)، ۸-۳۳.

مرانی، فاطمه، صالحی، اله کرم، جرجزاده، علیرضا، کعب عمیر، احمد. (۱۴۰۰). بررسی تأثیر قدرت مدیرعامل، ارتباطات سیاسی و مسئولیت‌پذیری اجتماعی بر حساسیت سرمایه‌گذاری به وجه نقد در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران، فصلنامه اقتصاد مالی، ۱۵(۵۷)، ۲۸۵-۳۰۷.

مؤمنی، اکبر، محمدی، محمد، (۱۴۰۰). تأثیر قدرت مدیرعامل بر گزارش عملکرد مسئولیت اجتماعی شرکت: با در نظر گرفتن نقش تعدیل‌کننده پاداش مدیرعامل نسبت به بازده سهامداران در شرکت‌های تولیدی پذیرفته‌شده در سازمان بورس اوراق بهادار تهران، رویکردهای پژوهشی نوین در مدیریت و حسابداری.

Abbott, L. J., Parker, S., & Peters, G. F. (2004). Audit committee characteristics and restatements. *Auditing: A journal of practice & theory*, 23 (1), 69-87.

Alqatamin, R.M. (2022). Audit Committee Effectiveness and Company Performance:

- Evidence from Jordan. *Accounting and Finance Research*, 7 (2), 08.
- Baatwah, S. R., Salleh, Z., & Ahmad, N. (2015). CEO characteristics and audit report timeliness: do CEO tenure and financial expertise matter?. *Managerial Auditing Journal*.
- Baker, T. A., Lopez, T. J., Reitenga, A. L., & Ruch, G. W. (2019). The influence of CEO and CFO power on accruals and real earnings management. *Review of Quantitative Finance and Accounting*, 52 (1), 325-345.
- Bakhtiari, Safa, Leila, Rezaei, Farzin, Nejadtolmi, Babak. (2021). The effect of financial reporting complexity on the accounting expertise of board members and audit committee members and internal control weaknesses. *Professional Audit Research Quarterly*, 2 (5), pp. 158-180. (In Persian)
- Bebchuk, L., Grinstein, Y., and U. Peyer. (2011). Lucky CEOs and Lucky Directors. *Journal of Finance*, Vol. 65, No. 6, Pp. 2363-2401.
- Boyd, B. K. (1995). CEO duality and firm performance: A contingency model. *Strategic management journal*, 16 (4), 301-312.
- Carcello, J. V., & Neal, T. L. (2003). Audit committee characteristics and auditor dismissals following "new" going-concern reports. *The accounting review*, 78 (1), 95-117.
- Chen, T., & C. Lin. (2017). Does Information Asymmetry Affect Corporate Tax Aggressiveness? *Journal of Financial and Quantitative Analysis*, Vol. 52, No. 5, Pp. 2053-2081.
- DeBoskey, D. G., Luo, Y., & Zhou, L. (2019). CEO power, board oversight, and earnings announcement tone. *Review of Quantitative Finance and Accounting*, 52 (2), 657-680.
- Desai, M. A., & Dharmapala, D. (2009). Earnings management, corporate tax shelters, and book-taxalignment. *National Tax Journal*, 62 (1), 169-186.
- Dyreg, S. D., Hanlon, M., & Maydew, E. L. (2010). The effects of executives on corporate tax avoidance. *The accounting review*, 85 (4), 1163-1189.
- Dyreg, S. D., Hanlon, M., and E. L. Maydew. (2010). The Effects of Executives on Corporate Tax Avoidance. *The Accounting Review*, Vol. 85, No. 4, Pp. 1163-1189.
- Etemadi, H., Sepasi, S., & Sari, M. (2016). A conceptual framework for corporate tax planning. *Journal of Accounting and Social Interests*, 6 (1), 61-80. (In Persian)
- Faiz Abadi, Fereshte. (2022). The moderating role of audit committee women in examining the impact of committee members' expertise on profit management. *Professional audit research quarterly* (2) 7, pp. 33-8. (In Persian)
- FEE (2013). *Global Observations on the Role of the Audit Committee*, Center for audit quality, ICAA.
- Francoeur, C., Lakhali, F., Gaaya, S., & Saad, I. B. (2021). How do powerful CEOs influence corporate environmental performance?. *Economic Modelling*, 94, 121-129.
- Garcia-Sanchez, I. M., Raimo, N., & Vitolla, F. (2020). CEO power and integrated reporting. *Meditari Accountancy Research*.
- Graham, J. R., & Tucker, A. L. (2006). Tax shelters and corporate debt policy. *Journal of Financial Economics*, 81 (3), 563-594.
- Hanlon, M., & Heitzman, S. (2010). A review of tax research. *Journal of accounting and Economics*, 50 (2-3), 127-178.
- Harper, J., Johnson, G., & Sun, L. (2020). Stock price crash risk and CEO power: Firm-level analysis. *Research in International Business and Finance*, 51, 101094.
- Huseynov, F., & Klamm, B. K. (2012). Tax avoidance, tax management and corporate social responsibility. *Journal of Corporate Finance*, 18 (4), 804-827.

Javeed, S. A., Latief, R., Jiang, T., San Ong, T., & Tang, Y. (2021). How environmental regulations and corporate social responsibility affect the firm innovation with the moderating role of Chief executive officer (CEO) power and ownership concentration?. *Journal of Cleaner Production*, 308, 127212.

Jensen, M., & Meckling, W. (1976), Theory of the firm: Managerial behavior, agency costs and ownership structure, *Journal of financial economics*, 3: 305-360.

Jensen, M., and W. Meckling. (1976). Theory of the Firm: Managerial Behavior, Agency Costs and Ownership Structure. *Journal of Financial Economics*, Vol. 3, No. 4, Pp. 305-360.

Khadim, Elham (2017). Investigating the effect of the CEO's power on information transparency, master's thesis. University of Sistan and Baluchistan, Zahedan, Iran. (In Persian)

Khajavi, S., Jahandoust Marghoub, M., & Weysihsar, S. (2021). Investigating the Relationship between CEO Power and Capital Structure: Emphasizing the Role of Firms Size. *Financial Research Journal*, 23 (1), 40-63. (In Persian)

Koesler, A., Shevlin, T. J., and D. Wangerin. (2016). The Role of Managerial Ability in Corporate Tax Influence Tax Management? *Journal of corporate finance*, Vol. 16, No. 5, Pp.703-718.

Lin, Y, CH., Wang, Y, CH., Chiou, J, R., and Huang, H, W. (2014). CEO characteristics and internal control quality. *Corporate Governance: An International Review*, 22 (1), 24-42.

Marani, F., SALEHI, A. K., Jorjorzadeh, A., & Kaab, A. A. (2022). Investigating The Impact Of Ceo Power, Political Communication And Social Responsibility On Cash Investment Sensitivity In Companies Listed On Tehran Stock Exchange. (In Persian)

Momeni, Akbar, Mohammadi, Mohammad, (2021) The effect of the CEO's power on the corporate social responsibility performance report: Considering the moderating role of the CEO's reward in relation to the shareholders' return in manufacturing companies admitted to the Tehran Stock Exchange Organization, new research approaches in Management and Accounting. (In Persian)

O'Rady, Javad; Salehi, Mehdi and Salari Forg, Zainab. (2015). The effect of the existence of the audit committee and its characteristics on the delay of the audit report, *Accounting Knowledge*, 7 (26), pp. 59-83. (in pershian).

Papadakis, V. M. (2006). Do CEOs shape the process of making strategic decisions? Evidence from Greece. *Management Decision*.

Pasternak, Menahem and Rico, Christophe, (2008). Tax Interpretation, Planning, and Avoidance: Some Linguistic Analysis, *Akron Tax Journal*, 23, Article 2.

Pourghaz, A., & Mohammadi, A. (2011). A STUDY OF RELATIONSHIP BETWEEN MANAGERS SOURCES OF POWER AND PERSONALITY CHARACTERISTICS OF STAFF ENTREPRENEURSHIP. (A CASE STUDY IN MELLI BANK) . (In Persian). (In persian)

POURHEIDARI, O., & SARVESTANI, A. (2013). Identifying and explaining the effective factors on the tax management. (In Persian)

Pour-heidari, O., Fadavi, M. H., & Amini-nia, M. (2014). An Investigation on the effect of tax avoidance on the transparency of financial reporting firms listed in Tehran Stock Exchange. *Economics Research*, 14 (52), 85-69. (In Persian)

Pucheta-Martínez, M. C., & De Fuentes, C. (2007). The impact of audit committee characteristics on the enhancement of the quality of financial reporting: An empirical study in the Spanish context. *Corporate governance: An international review*, 15 (6), 1394-1412.

Sajjadi, H, Menti, V, Watankhah, F. (1401). The effect of gender diversity in the audit committee on company performance. Professional Audit Research Quarterly, 2 (7), pp. 50-78. (In Persian)

Salehi, M., Oradi, J., & Salari Forg, Z. (2016). Effects of presence of audit committee and its characteristics on audit report. Journal of Accounting Knowledge, 7 (26), 59-83. (In Persian)

Sari, Mohammad Ali, Etimadi, Hossein, (2018) Investigating the effect of tax avoidance on the tax risk of companies. Experimental Accounting Research, 9 (33), 353-375. (In Persian)

Satish, M. H. & Ebrahimi, F. (1400) Substitution relationship of the use of financial leverage in capital structure and tax avoidance. Financial accounting and auditing researches, 72-53, (49) 13. (In Persian)

Satayesh, M. h. & Ebrahimi, F. (2021) Substitution relationship of the use of financial leverage in capital structure and tax avoidance. Financial Accounting and Audit Research, 13 (49), pp. 53-72. (In Persian)

Shahab, Y., Ntim, C. G., Ullah, F., Yugang, C., & Ye, Z. (2020). CEO power and stock price crash risk in China: Do female directors' critical mass and ownership structure matter?. International Review of Financial Analysis, 68, 101457.

Sunarto, S., Budiadi, W., Rachmawati Meita, O. (2021). The Effect of Corporate Governance on tax avoidance, The Journal of Asian Finance, Economics and Business, 8 (3), pp. 217-227.

Wilson, R. J. (2009). An examination of corporate tax shelter participants. The accounting review, 84 (3), 969-999.



#### COPYRIGHTS



© 2022 by the authors. Lisensee IACPA, Tehran, Iran. This article is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY4.0) (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>)